

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# سواحل خلیج فارس

(بوشهر، دشتستان، تنگستان، دشتی، لیراوی،  
حیات دلود، رودحله، انگالی، شیبکوه...)

تدوین

جان گوردون لوریمر

ترجمه، تنظیم و توضیحات

دکتر عبدالرسول خیراندیش

هیئت علمی دانشگاه شیراز



انتشارات آبادبوم

۱۳۹۴

سرشناسه:	لاریمر، جان گوردون، ۱۸۷۰-۱۹۱۴م Lorimer, John Gordon
عنوان و نام پدیدآور:	سواحل خلیج فارس (بوشهر، دشتستان، تنگستان، دشتی، لیراوی، حیات داود، رودحله، انگالی، شییکوه...) / تدوین جان گوردون لوریمر؛ ترجمه، تنظیم و توضیحات: عبدالرسول خیراندیش.
مشخصات نشر:	تهران: آبادبوم، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۲۷۲ص، مصور، جدول.
یادداشت:	وضعیت فهرستنویسی: فیا
یادداشت:	کتاب حاضر ترجمه بخشی از کتاب "Gazetteer of The Persian Gulf, Oman and Central Arabia" اثر جان گوردون لوریمر است.
یادداشت:	کتابنامه. یادداشت: نمایه.
موضوع:	بوشهر (استان) -- جغرافیای تاریخی
موضوع:	بوشهر (استان) -- جغرافیا
موضوع:	خلیج فارس، ساحل
موضوع:	بوشهر (استان) -- تاریخ -- قرن ۱۳ق.
شناسه افزوده:	خیراندیش، عبدالرسول، ۱۳۳۶، مترجم
رده‌بندی کنگره:	DSR ۲۰۷۵ / ۵۵ل۲ ۱۳۹۴
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۶۴۲
	شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۱۳۲۳۵

۱۲

شماره انتشار

[www.abadboomnashr.com](http://www.abadboomnashr.com)

[www.ketab.ir/abadboom](http://www.ketab.ir/abadboom)



انتشارات آبادبوم

## سواحل خلیج فارس

(بوشهر، دشتستان، تنگستان، دشتی، لیراوی، حیات داود، رودحله، انگالی، شییکوه...)

تدوین: جان گوردون لوریمر

ترجمه، تنظیم و توضیحات: عبدالرسول خیراندیش

طرح جلد: حمید مازیار

صفحه‌آرایی و تنظیم متن: انتشارات آبادبوم

تایپ و حروفچینی: صدیقه محمدی

قیمت: ۲۰/۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰-۹۴۵۰۱-۰-۷

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه - چاپ اندیشه: ۷۷۱۴۵۰۶۳-۶

نشانی انتشارات: تهران، بلوار کشاورز، بین خ. کارگر و جمال‌زاده، پ. ۳۴۰، واحد ۹؛ تلفکس: ۶۶۵۶۴۲۶۵-۶

تقدیم به معلمانم در دبیرستان فردوسی  
برازجان؛ آقایان: علی توسلی، اردشیر  
قائدی، عباس شاهروندی، حسین  
شہسواری، اکبر مؤید، مختار عبداللہی،  
علی جهان افروزیان، ماشاء اللہ طالب آزادی،  
حمید ادیب، ابوالقاسم وفاپور



## فهرست اجمالی مطالب

۱۵	دیباچه مترجم
۲۱	مقدمه مترجم
۲۹	شبه جزیره بوشهر
۴۵	شهر بوشهر
۶۵	دشتستان
۸۱	برازجان
۸۴	دالکی
۸۵	مزارعی
۸۹	زیراه
۹۳	دورودگاه / دورودگاه
۹۵	شبانکاره
۱۰۶	رود شور
۱۰۷	لیراوی
۱۱۵	دیلم
۱۱۹	حیات داود
۱۲۹	گناوه
۱۳۰	ریگ
۱۳۳	رودحله
۱۳۹	رودخانه رودحله
۱۴۱	مهمدی / محمدی
۱۴۲	خارگ
۱۴۷	انگالی
۱۵۳	مهمدشاهی / محمدشاهی
۱۵۵	تنگستان
۱۷۱	اهرم
۱۷۳	دشتی

۱۹۳	.....	موند (رود)
۱۹۵	.....	خورموج
۱۹۷	.....	کاکي
۱۹۸	.....	ديِر
۲۰۱	.....	شيبکوه
۲۱۱	.....	کنگان
۲۱۳	.....	عسلو
۲۱۵	.....	طاهري
۲۱۹	.....	سخن پاياني مترجم فارسي
۲۲۳	.....	افزوده‌هاي مترجم فارسي
۲۳۵	.....	نمايه عمومي نام‌ها
۲۵۹	.....	فهرست منابع مورد استفاده مترجم در نوشتن مقدمه، توضيحات و تعليقات
۲۶۳	.....	تصاویر نمونه صفحات متن اصلی کتاب Gazetteer



## فهرست تفصیلی مطالب

- دبیاچه مترجم ..... ۱۵
- مقدمه مترجم ..... ۲۱
- شبه جزیره بوشهر ..... ۲۹
- حدود (۳۰)، مشخصه‌های طبیعی، آب و زراعت (۳۰)، آب و هوا (۳۱)، جمعیت (۳۲)، کشاورزی و تجارت (۳۲)، ارتباطات (۳۴)، تشکیلات اداری (۳۶)
- آبادی‌ها ..... ۳۶
- عسلو (۳۷)، بن مانع (۳۷)، شهر بوشهر (۳۷)، خشم دلاک‌ها / دلاک‌ها (۳۷)، دواس (۳۷)، حللیه (۳۷)، بندر حللیه (۳۸)، حسینکو (۳۸)، امامزاده (۳۸)، جبری (۳۹)، جفره / حفره (۳۹)، خشم خواجه (۳۹)، خشم بالا (۴۰)، خشم نو (۴۰)، لیل (۴۰)، محمودآباد (۴۰)، باغ مقام (۴۰)، مفقعه (۴۱)، پودر (۴۱)، رونی (۴۱)، ریشهر (۴۱)، سبزآباد (۴۲)، سنگی (۴۲)، سرطل (۴۳)، شغاب (۴۳)، باغ شکری (۴۳)، شمو (۴۳)، ستم‌آباد (۴۳)، تنگک (۴۴)، خشم زائر (۴۴)، غلام‌حسین (۴۴)، ظلم‌آباد (۴۴)
- شهر بوشهر ..... ۴۵
- موقعیت و بندرگاه (۴۵)، محل استقرار، ساختمان‌ها و نقشه شهر (۴۹)، آب و هوا و بهداشت (۵۲)، جمعیت (۵۳)، تجارت و تولیدات (۵۶)، کشتیرانی (۵۸)، فرآورده‌ها (۵۸)، ارتباطات (۵۹)، تشکیلات اداری (۵۹)، نمایندگی‌های خارجی (۶۱)
- دشتستان ..... ۶۵
- حدود (۶۶)، ویژگی‌های طبیعی (۶۶)، سکنه (۶۷)، کشاورزی (۶۸)، تجارت (۶۹)، ارتباطات و حمل و نقل (۶۹)، نظام اداری (۶۹)
- آبادی‌ها ..... ۷۱
- احمدی (۷۱)، طل اشکی (۷۱)، بنداروز (۷۱)، برگاهی (۷۱)، بیبرا (۷۲)، بنار (۷۲)، برازجان (۷۲)، چاه عربی (۷۲)، چاه خانی (۷۳)، چاه کوتاه (۷۳)، درچیتو (۷۳)، دالکی (۷۳)، دویره (۷۳)، ده نو (۷۴)، گزبلند (۷۴)، گیسکان (۷۴)، بنه حمد (۷۴)، باغ حصار (۷۵)، حسینکی (۷۵)، عیسوند (۷۵)، بنه اسماعیل (۷۵)، جرافی (۷۶)، جیمه (۷۶)، خوش آب (۷۶)، خوش

مکان (۷۶)، کلل (۷۷)، کنارآباد (۷۷)، لرده (۷۷)، بنه میرزا (۷۷)، محمد احمدی (۷۷)،  
ننیزک (۷۸)، نظر آغایی (۷۸)، ده قائد (۷۸)، قراول خانه (۷۸)، راه دار (۷۹)، ساده (۷۹)، سمل  
(۷۹)، سرکره (۷۹)، سرکوردان (۷۹)، سمرل (۸۰)، صفی آباد (۸۰)، ابوطویل (۸۰)، زیارت  
(۸۰)

- ۸۱..... برازجان  
۸۴..... دالکی  
۸۵..... مزارعی  
۸۶..... آبادی‌ها.  
دشت بور (۱) (۸۶)، دشت بور (۲) (۸۶)، جره (۸۶)، لیلک (۸۶)، مزارعی (۸۷)، شول پسگون  
(۸۷)، روستای مزارعی (۸۷)  
۸۹..... زیراه  
۹۰..... آبادی‌ها.  
دورودگاه/ دوروگا (۹۰)، جتا (۹۰)، طل خرکی (۹۰)، طل خربایی (۹۱)، طل قاتل (۹۱)،  
سعدآباد (۹۱)، طل آل صفی (۹۱)، طل سرکوه (۹۱)، زیراه (۹۲)  
۹۳..... دوروگاه/ دورودگاه  
۹۵..... شبانکاره.  
محدوده (۹۶)، ویژگی‌های طبیعی (۹۶)، سکنه (۹۶)، کشاورزی (۹۷)، تجارت (۹۷)،  
ارتباطات و حمل و نقل (۹۷)، اداره (۹۷)  
۹۸..... آبادی‌ها.  
انجیرو (۹۸)، عطیبه (۹۸)، بهرام‌آباد (۹۸)، بند محمد عبدالله (۹۹)، بصری (۹۹)، بویری (۹۹)،  
چاه دول (۹۹)، چهار برج (۹۹)، چهل گزی عجم (۱۰۰)، چهل گزی عرب (۱۰۰)، دهداران  
حاجی عبدالعلی (۱۰۰)، دهداران حاجی فرومه (۱۰۰)، ده کهنه (۱۰۰)، چم دروای (۱۰۰)،  
دروای پای رود (۱۰۱)، دشتی (۱۰۱)، بناری قائد (۱۰۱)، خلیفه (۱۰۱)، خیارزار (۱۰۲)، لایپه  
(۱۰۲)، مکابری (۱۰۲)، محمد جمالی (۱۰۲)، قلایی رستم‌خانی (۱۰۳)، سمیه (۱۰۳)، شهپيرو  
(۱۰۳)، سه کنار (۱۰۳)، بناری سلیمانی (۱۰۳)، چم تنگو (۱۰۴)، ترککی (۱۰۴)، ذکرایی  
(۱۰۴)، چاه زنگی (۱۰۴)، ده کهنه (۱۰۴)  
۱۰۶..... رود شور  
۱۰۷..... لیراوی  
حدود (۱۰۷)، خصوصیات طبیعی (۱۰۷)، جمعیت (۱۰۸)، تجارت و کشاورزی (۱۰۹)،  
حمل و نقل و ارتباطات (۱۰۹)، اداره (۱۰۹)  
۱۱۰..... آبادی‌ها.

احمدسین (۱۱۰)، بنه احمد (۱۱۰)، باغ (۱۱۰)، بازیتی (۱۱۰)، بیدو (۱۱۰)، بویرات (۱۱۱)،  
بوالفتح (۱۱۱)، بویراتی (۱۱۱)، چاه شیرین (۱۱۱)، ده عربی (۱۱۱)، گاه‌دار (۱۱۱)، گزله‌وری  
(۱۱۲)، گریه (۱۱۲)، بها حسنی (۱۱۲)، حصار (۱۱۲)، امام حسن (۱۱۲)، اسفندیاری (۱۱۳)،  
خواجه هیر (۱۱۳)، بنه خاطر (۱۱۳)، کنار کوه (۱۱۳)، لیلتنین (۱۱۳)، مظفری (۱۱۴)،  
سبزپوشان (۱۱۴)، سهکون (۱۱۴)، مال شهاب (۱۱۴)، مال سنان (۱۱۴)، چاه تهله (۱۱۴)

۱۱۵..... دیلم

لنگرگاه (۱۱۵)، سکنه (۱۱۶)، منابع (۱۱۶)، تجارت (۱۱۶)، ارتباطات (۱۱۷)، تشکیلات  
اداری (۱۱۷)

۱۱۸..... آبادی‌ها

عامری (۱۱۸)، تنوب (۱۱۸)

۱۱۹..... حیات داود

حدود (۱۱۹)، جغرافیای طبیعی (۱۲۰)، جمعیت (۱۲۰)، کشاورزی و دامداری (۱۲۱)،  
تجارت (۱۲۱)، حمل و نقل و ارتباطات (۱۲۱)، تشکیلات اداری (۱۲۲)

۱۲۲..... آبادی‌ها

عباسی (۱۲۲)، اله یاری (۱۲۳)، عرش (۱۲۳)، بهمیاری (۱۲۳)، بنگ (۱۲۳)، بیدو (۱۲۳)،  
چهار برج (۱۲۴)، چهارمل (۱۲۴)، چاه روسهی (۱۲۴)، دره دون (۱۲۴)، فراهیری (۱۲۵)،  
گناوه (۱۲۵)، گاه سفید (۱۲۵)، گمارون (۱۲۵)، قلعه حیدری (۱۲۵)، امامزاده (۱۲۶)، جزیره  
(۱۲۶)، کمالی (۱۲۶)، کوهک (۱۲۶)، کولر (۱۲۷)، مہمد صادی (۱۲۷)، مال مہمید (۱۲۷)،  
پوزه‌گاه (۱۲۷)، ریگ (۱۲۷)، روسور (۱۲۸)، شول (۱۲۸)، تاج ملکی (۱۲۸)، یزدپوشان  
(۱۲۸)

۱۲۹..... گناوه

۱۳۰..... ریگ

موقعیت و ویژگی‌ها (۱۳۰)، جمعیت (۱۳۱)، تجارت و محصولات (۱۳۱)، منابع و ارتباطات  
(۱۳۱)، اداره (۱۳۲)

۱۳۳..... رودحله

حدود و خصوصیات طبیعی (۱۳۳)، جمعیت (۱۳۴)، کشاورزی (۱۳۴)، تجارت (۱۳۴)،  
ارتباطات و حمل و نقل (۱۳۵)، اداره (۱۳۵)

۱۳۵..... آبادی‌ها

خشم احمدی (۱۳۶)، عسکری (۱۳۶)، فراکه (۱۳۶)، گوایین (۱۳۶)، خشم حاج حاجی  
(۱۳۶)، چم حلقه (۱۳۷)، خشم شیخ حمود (۱۳۷)، کرابند/کره‌بند (۱۳۷)، مجنون (۱۳۷)،

مهمدی (۱۳۷)، مهرزی (۱۳۸)، ناصری (۱۳۸)، رستمی (۱۳۸)، قلعه سرحان (۱۳۸)، قلعه سوخته (۱۳۸)

۱۳۹..... رودخانهٔ رودحله

۱۴۱..... مهمدی / محمدی

۱۴۲..... خارگ

۱۴۵..... خارگو

۱۴۷..... انگالی

حدود و موقعیت طبیعی (۱۴۸)، جمعیت (۱۴۸)، کشاورزی، حمل و نقل و تجارت (۱۴۸)،  
تشکیلات اداری (۱۴۹)

۱۴۹..... آبادی‌ها

طل بهی (۱۴۹)، خشم برخوردار (۱۴۹)، خشم شیخ برخوردار (۱۵۰)، نوکال گزی (۱۵۰)،  
نوکال مخی (۱۵۰)، هفت جوش (۱۵۰)، حیدری (۱۵۰)، خشم کل حسن (۱۵۱)،  
محمدشاهی (۱۵۱)، خشم محمدقلی (۱۵۱)، شیف (۱۵۱)، سهیلی (۱۵۲)، زندان (۱۵۲)،  
زردکی بزرگ (۱۵۲)، زردکی کوچک (۱۵۲)

۱۵۳..... مهمدشاهی / محمدشاهی

۱۵۵..... تنگستان

حدود (۱۵۵)، خصوصیات طبیعی (۱۵۶)، جمعیت (۱۵۸)، کشاورزی و تجارت (۱۵۸)،  
ارتباطات و حمل و نقل (۱۵۹)، نظام اداری (۱۵۹)

۱۶۰..... آبادی‌ها

آباد (۱۶۰)، اهرم (۱۶۰)، علی چنگی (۱۶۰)، امبارک (۱۶۱)، عامری (۱۶۱)، باغک (۱۶۱)،  
باغچه (۱۶۱)، بارکی (۱۶۱)، باشی (۱۶۲)، بوالخیر (۱۶۲)، بنیگن (۱۶۳)، بنجو (۱۶۳)،  
چغادک (۱۶۳)، چاه پیر (۱۶۳)، دلبار و عامری (۱۶۴)، گاهی (۱۶۴)، گائینک (۱۶۴)،  
گرگور (۱۶۴)، گورک (۱۶۵)، احشام شیخ (۱۶۵)، احشام شیخ‌ها (۱۶۵)، طل جواهری  
(۱۶۵)، کری (۱۶۵)، خیدو (۱۶۶)، خیاری (۱۶۶)، خور خویر (۱۶۶)، مدومری (۱۶۶)،  
مکری (۱۶۶)، قلعه منکلی (۱۶۷)، میدر حسنی (۱۶۷)، مهمید احمدی (۱۶۷)، نرگس زار  
(۱۶۷)، پاکشی (۱۶۸)، رستمی (۱۶۸)، سالم آباد (۱۶۸)، سمیل علی (۱۶۸)، خور شهابی  
(۱۶۸)، باغ شکر (۱۶۹)، سورکی (۱۶۹)، تنگستان (۱۶۹)، قلعه تقی (۱۶۹)، طل سیاه (۱۶۹)،  
تخم ماری (۱۶۹)، تنب سه (۱۷۰)، عمری (۱۷۰)، واکنکو (۱۷۰)، خشم زائر خضر (۱۷۰)

۱۷۱..... اهرم

۱۷۳..... دشتی

حدود (۱۷۳)، ویژگی‌های طبیعی (۱۷۳)، ساحل (۱۷۵)، جمعیت (۱۷۶)، عمرانی (۱۷۶)،  
 بحرینی (۱۷۶)، فقیها (۱۷۶)، حاجیان (۱۷۶)، جتوت (۱۷۶)، خواجه‌ها (۱۷۶)، لرها (۱۷۶)،  
 میرزاها (۱۷۶)، ملاها (۱۷۷)، رؤسا (۱۷۷)، سادات (۱۷۷)، صالح احمدی‌ها (۱۷۷)؛  
 کشاورزی و تجارت (۱۷۸)، ارتباطات و حمل و نقل (۱۷۸)، نظام اداری (۱۷۹)

**آبادی‌ها..... ۱۷۹**

آبدان (۱۸۰)، چاه علی (۱۸۰)، عربی (۱۸۰)، بهرام اسد (۱۸۰)، بالنگستان (۱۸۰)، بردستان  
 (۱۸۱)، باریکو (۱۸۱)، بطونه (۱۸۱)، چاه بن (۱۸۱)، بردخان کهنه (۱۸۲)، بردخان نو (۱۸۲)،  
 چغاپور (۱۸۲)، چاه پول (۱۸۲)، چارک (۱۸۳)، چاوشکی (۱۸۳)، چغاوار (۱۸۳)، دیر  
 (۱۸۳)، دانکی (۱۸۳)، دم گزی (۱۸۳)، درک (۱۸۴)، درازی (۱۸۴)، دشو (۱۸۴)، دم نالو  
 (۱۸۴)، فقیه حسنان (۱۸۴)، گنخک شمالی (۱۸۵)، گنخک هیرانی (۱۸۵)، گناوی (۱۸۵)،  
 گزک (۱۸۵)، گلکی (۱۸۵)، گل بیتا (۱۸۶)، هدکو (۱۸۶)، حیدری (۱۸۶)، احشام حسن  
 کامحمد (۱۸۶)، چاه حسین جمال (۱۸۶)، جمرک (۱۸۶)، کیگان (۱۸۷)، کاکي (۱۸۷)،  
 خار کهنه (۱۸۷)، خورموج (۱۸۷)، کلل (۱۸۷)، کناری (۱۸۸)، کرادون (۱۸۸)، لاور (۱)  
 (۱۸۸)، لاور (۲) (۱۸۸)، ملنگو (۱۸۸)، منکل (۱۸۹)، مشیله اکبری (۱۸۹)، مشیله حیدر  
 محمدعلی (۱۸۹)، میانخره (۱۸۹)، محمدآباد (۱۸۹)، مخدان (۱۸۹)، نوکان (۱۹۰)، قائدان  
 (۱۹۰)، قلات (۱۹۰)، باغ رئیس (۱۹۰)، سهل (۱۹۰)، سروستان [سرمستان] (۱۹۱)، شهری  
 (۱۹۱)، سیرم [شی‌برم] (۱۹۱)، تراوی (۱۹۱)، والی (۱۹۱)، وراوی (۱۹۱)، زینار (۱۹۲)،  
 زیرهک (۱۹۲)، زیارت (۱۹۲).

**(رود) موند ..... ۱۹۳**

**خورموج ..... ۱۹۵**

**کاکي ..... ۱۹۷**

**دیر ..... ۱۹۸**

**شییکوه ..... ۲۰۱**

حدود (۲۰۱)، جغرافیای طبیعی (۲۰۲)

**آبادی‌ها..... ۲۰۴**

بنک (۲۰۴)، میالو (۲۰۴)، عیانات یا تمبک (۲۰۴)، اختر (۲۰۵)، باغ شیخ (۲۰۵)، پرک  
 (۲۰۵)، رأس شجر (۲۰۶)، بیده خان (۲۰۶)، هاله نابند (۲۰۶)، برکو (۲۰۷)، رأس غراب  
 (۲۰۷)، غف (۲۰۷)، خوادان (۲۰۷)، تبین (۲۰۸)، عماریه (۲۰۸)، دستور (۲۰۸)، خرابه  
 (۲۰۸)، بستانو (۲۰۹)، برغله (۲۰۹)، زیارت (۲۰۹)، کلاتو (۲۰۹)، سیف الشیخ (۲۰۹)، مقام  
 (۲۱۰)

**کنگان ..... ۲۱۱**

۲۱۳	.....	عسلو
۲۱۵	.....	طاهری
۲۱۹	.....	سخن پایانی مترجم فارسی
۲۲۳	.....	افزوده‌های مترجم فارسی
۲۳۵	.....	نمایه عمومی نام‌ها
۲۵۹	.....	فهرست منابع مورد استفاده مترجم در نوشتن مقدمه، توضیحات و تعلیقات
۲۶۳	.....	تصاویر نمونه صفحات متن اصلی کتاب Gazetteer

## دیباچه مترجم

ترجمه قسمتی از مباحث جغرافیایی کتاب Gazetteer of The Persian Gulf درباره سواحل شمالی خلیج فارس را در اوایل دهه ۱۳۷۰ هـ ش انجام دادم؛ اما نظر به اینکه آن را اثری با نواقص بسیار می‌دیدم، اقدام برای چاپ آن را به تأخیر انداختم تا شاید با تکمیل آن به کمک منابع و تحقیقات میدانی، بهتر قابل استفاده همگان گردد. طی سالیان اخیر این کتاب پر حجم و پر مطلب مورد توجه دیگر محققان نیز قرار گرفت و چند ترجمه از آن به چاپ رسید. متأسفانه این ترجمه‌ها بر اساس برگردان عربی کتاب Gazetteer منتشر شده در کشور قطر صورت گرفته است و مترجمان به متن اصلی انگلیسی مراجعه نکرده‌اند. نظر به اشکالاتی که چنین ترجمه‌هایی دارند و نیز ضرورت ارائه آن به صورتی که بتواند مورد مراجعه فارسی‌زبانان قرار گیرد، انگیزه‌ام را در چاپ ترجمه‌ای که از زبان انگلیسی (زبان اصلی کتاب) انجام داده بودم بیشتر کرد. جسته و گریخته اخباری از ترجمه‌های دیگر نیز شنیده‌ام که چون رؤیت نکرده‌ام، ضرورتی به ذکر آن‌ها احساس نمی‌کنم. درباره این ترجمه لازم است به نکات زیر توجه کرد:

۱. ترتیب مدخل‌ها در بخش جغرافیایی کتاب Gazetteer بر اساس حروف الفباست؛ برای این منظور هم الفبای انگلیسی مبنا بوده است، که صورت نگارشی یک نام جغرافیایی به خط فارسی - عربی هم در کنار آن دیده می‌شود. لذا تا جایی که الفبای انگلیسی با الفبای فارسی - عربی هماهنگی دارد، بر همان ترتیب، مطالب تنظیم شده است، اما پس از آن خیر. تنظیم مدخل‌های انتخاب شده از کتاب Gazetteer برای این ترجمه، هم بر اساس ترتیب مراجعه و اقدام به ترجمه بوده و هم بر اساس ترتیب جغرافیایی مناطق از طرف دریا و از شمال به جنوب در امتداد ساحل صورت گرفته است. در همان حال در زیرنویس، محل اصلی مطلب در متن انگلیسی را برای مراجعه احتمالی خوانندگان ذکر کرده‌ام.
۲. مبحث «آبادی‌ها» (topography) در متن انگلیسی به صورت جدول‌هایی بوده است که آن را به منظور نمود یافتن بیشتر و امکان ارائه توضیحات، به صورت نوشتار توضیحی درآورده‌ام. نمونه‌ای از صفحات متن انگلیسی در پایان ارائه شده است.

۳. در متن انگلیسی، ضبط نام‌ها بر اساس نگارش فارسی نیز دیده می‌شود. باید توجه داشت که این املاهای فارسی تحت تأثیر عربی‌نویسی و سپس آوانویسی انگلیسی است. گاهی صورت ضبط فارسی، انگلیسی و عربی نام‌ها با هم منطبق هستند و گاهی مغایر با هم دیده می‌شوند. چنانکه در مواردی بر اساس کتابت فارسی و در مواردی دیگر بر اساس گویش محلی هستند. ضمن رعایت امانت‌داری، سعی شده است در پاورقی توضیحات لازم ارائه شود. نیز در فهرست مطالب (آغاز کتاب) و فهرست نام‌ها (پایان کتاب) تا حد امکان شکل‌های مختلف ضبط یک نام را برای سهولت مراجعه و دستیابی به آنها ارائه کرده‌ام.

۴. تا جایی که ضرورت داشته، در جهت آشنایی هرچه بیشتر خواننده با مطالب کتاب، توضیحاتی ارائه شده است؛ بخصوص در ضبط نام‌ها و تطور احتمالی آن‌ها. به همین جهت زیرنویس‌ها از مترجم فارسی است مگر آنکه نوشته شده باشد از متن اصلی کتاب است.

۵. در سراسر متن از واحدهای زمانی (سال و ماه) اروپایی و نیز مقیاس‌های غیر متریک انگلیسی (اونس، یارد، فوت، مایل) استفاده شده، لذا چنانکه معادل ایرانی یا متریک آن‌ها ذکر شده باشد، از مترجم است. در ابتدای کتاب نیز معادل آن‌ها به نظام متریک را ارائه کرده‌ام.

۶. شیوه اشاره به جهات جغرافیایی در این کتاب دقیق و تا حدی پیچیده است. لذا نموداری برای راهنمایی خواننده توسط نگارنده ترسیم و در ابتدای کتاب آمده است.

۷. چون این ترجمه از قسمت جغرافیایی اثر لوریمر صورت گرفته که در آن اعلام جغرافیایی بر اساس حروف الفبا تنظیم و ارائه شده است، گزارشگران توجهی به تقسیمات سیاسی و ارتباط مجموعه‌های اداری نداشته‌اند، اما در ارائه ترجمه فارسی با توجه به محتوای مدخل‌ها و مقالات کتاب، تنظیم جدیدی صورت گرفته و در پاورقی هر مدخل، صفحه و جلد مربوط، یعنی جایگاه اصلی آن در متن انگلیسی، آورده شده است. همچنین سعی شده است تلفظ اسامی با توجه به اصطلاحات محلی یا چگونگی ذکر آن‌ها در منابع فارسی تکمیل یا تصحیح گردد. از آنجا که به دلیل تحولات جغرافیایی و اداری در یکصد سال اخیر بسیاری از مطالب احتیاج به شرح و توضیح داشت، مترجم در حد توان حاصل سالیان متمادی جست‌وجو و تحقیق خود را به منظور راهنمایی خوانندگان عزیز عرضه کرده که علاوه بر حواشی (بدون امضا)، به صورت افزوده‌های مترجم ارائه شده است.

ختم سخن آنکه شناخت علمی از یک گستره دریایی، علاوه بر آنکه با داشته‌های آن مرتبط است، مستلزم کسب اطلاعات درباره سرزمین‌های پیرامون آنها نیز خواهد بود.



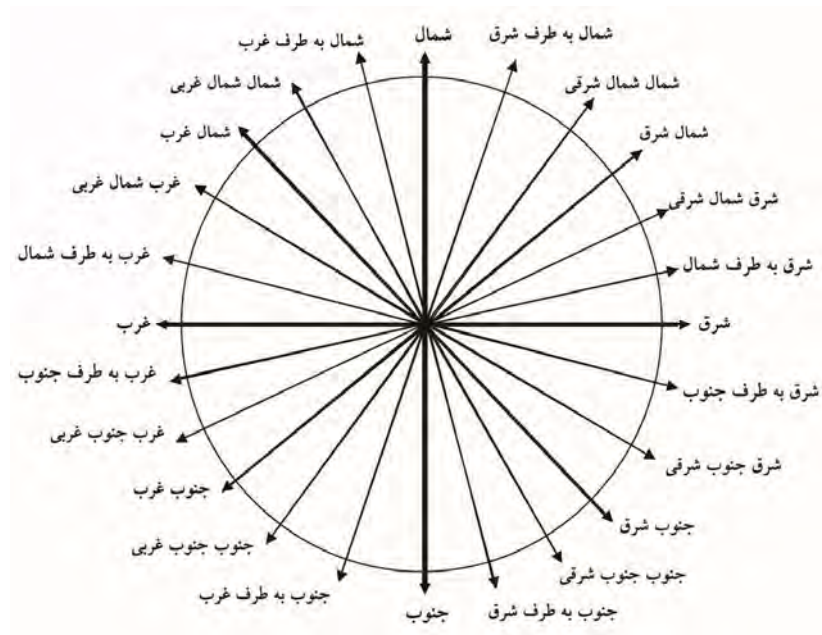
اهمیت فراوانی که خلیج فارس در دنیای امروز یافته است، ایجاب می‌کند، منابع و مدارک مطالعاتی مربوط بدان را همواره توسعه داد؛ با چنین اندیشه‌ای کتاب Gazetteer که در بردارنده مطالب جغرافیایی جالب توجهی درباره سواحل جنوبی ایران در برهه زمانی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به شمار می‌آید، ترجمه شده است.

این برهه که سال‌های پایانی سلسله قاجاریه را دربر می‌گیرد و با افزایش توجه همگانی به خلیج فارس و نیز مناطق ساحلی آن همراه بود، در سال‌های پیش از آن با تألیف فارسنامه ناصری، نزهت‌الاجبار نوشته خورموجی، تاریخ و جغرافیای بنادر نوشته نادری کازرونی و به مانند آن گزارش مهندس ناشناخته، موجب شده بود تعدادی منابع مکتوب درباره صفحات ساحلی جنوبی ایران پدید آید. تقریباً همزمان با تألیف Gazetteer کتاب تاریخ بوشهر توسط محمدحسین سعادت نوشته شده است؛ همچنین سدیدالسلطنه مجموعه آثار خود درباره نواحی ساحلی و جزایر خلیج فارس را می‌نوشت. از آثار اروپایی در همان زمان کتاب ایران و قضیه ایران از لرد کرزن، خلیج فارس در عصر استعمار از وادالا و چند سفرنامه و خاطرات را در دسترس داریم. پس از آن در منابع ایرانی، کتاب جغرافیای مفصل ایران، نوشته مسعود کیهان و یا تألیفاتی در زمینه جغرافیای نظامی مانند آنچه رزم-آرا، بایندر و مقتدر نوشته‌اند را می‌توان برای کسب اطلاعاتی درباره شرایط جغرافیایی سواحل و بنادر خلیج فارس به دست آورد. بر همین اساس از چنین منابعی برای افزودن توضیحاتی بر ترجمه متن انگلیسی Gazetteer استفاده شده است.

کتاب Gazetteer در بردارنده مطالب تاریخی و جغرافیایی درباره سراسر سواحل جنوبی ایران، قسمتی از عراق، کشور عمان و نیز شبه جزیره عربستان است. ترجمه و توضیح و تنظیم تمامی آن به صورتی علمی، فقط با یک فعالیت جمعی امکان‌پذیر خواهد بود. به همین جهت در یک اقدام فردی، هر کس فقط قسمتی از آن را بر اساس علاقه‌مندی و نیاز می‌تواند ارائه نماید. نگارنده نیز به دلیل علاقه‌مندی و تناسب با فرصتی که داشته‌ام، ترجمه مباحث جغرافیایی سواحل ایرانی خلیج فارس، از خوزستان تا بلوچستان را که امروزه در استان‌های خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان قرار گرفته‌اند، در برنامه کاری خود داشتم و مایل بودم آن را در قالب پنج کتاب ارائه نمایم. این پنج کتاب بر اساس شرایط جغرافیای طبیعی تقسیم‌بندی شده بود. از جمله یک جلد درباره دشت ساحلی شمال خلیج فارس، یک جلد درباره منطقه شیبکوه... از این طرح فقط قسمت دشت ساحلی که شامل دشتستان، بوشهر، تنگستان، دشتی، لیراوی، حیات‌داود، انگالی و مناطق متصل به آنها است در این جلد عرضه شده است. اما چون اولویت‌های تألیفی دیگری

دارم، برای آنکه مطالب کامل شود و کتاب با جغرافیای استان کنونی بوشهر منطبق گردد، مبحث شیپکوه را به صورت یک مطلب تکمیلی و گزارش ترجمه آورده‌ام. به همین جهت به جای «دشت ساحلی شمال خلیج فارس»، عنوان «سواحل خلیج فارس» را برگزیدم. در افزودن توضیحات و اضافات بر این ترجمه از راهنمایی‌های آقایان دکتر هیبت‌الله مالکی، دکتر عبدالکریم مشایخی، حاج ناصر امیری، عبدالحسین احمدی ریشهری، مهدی فتوت، ارسلان زارع، سردار زندوی، سهراب منصوری، کرم کرمی، علیرضا خلیفه‌زاده و دیگران بهره گرفته‌ام که بدین ترتیب از همه آنان سپاسگزاری می‌کنم. در پایان وظیفه خود می‌دانم از مساعدت‌های جناب آقای مجتبی تبریزنیا، مدیر فرهیخته انتشارات آبادبوم تشکر نمایم. از سرکار خانم صدیقه محمدی که کار حرفه‌چینی آن را برعهده داشته‌اند نیز سپاسگزارم.

**دکتر عبدالرسول خیراندیش**



نمودار جهت‌های جغرافیایی به کاررفته در کتاب Gazetteer

حدود ۱۶۰۹ متر	Mile مایل
حدود ۹۱ سانتی متر	Yard یارد
حدود ۳۰ سانتی متر	Foot فوت
حدود ۲/۵ سانتی متر	Inch اینچ
حدود ۱۸۲ سانتی متر	Fathom فاتوم قلاج (بالا)
حدود ۴۵۳ گرم	lb پوند
حدود ۲۸ گرم	Oz اونس
حدود ۴/۵۴ لیتر	Gal گالن
یک بسته دوازده تایی	Dozen دوجین

تبدیل تقریبی اوزان و مقیاسات انگلیسی به متریک در کتاب Gazetteer

## مقدمه مترجم

از جمله مشهورترین کتاب‌هایی که دربارهٔ سواحل، جزایر و سرزمین‌های اطراف خلیج فارس، عمان و عربستان مرکزی نوشته شده، کتاب *راهنمای خلیج فارس* با عنوان Gazetteer of The Persian Gulf, Oman and Central Arabia است. این کتاب توسط جان گوردون لوریمر John Gordon Lorimer تألیف شده و می‌توان آن را مفصل‌ترین متن دربارهٔ تاریخ و جغرافیای خلیج فارس دانست.

چنانکه از محتوای کتاب برمی‌آید مطالب آن در سال‌های ۱۹۰۴-۱۹۰۷ م / ۱۲۸۲-۱۲۸۵ هـ ش / ۱۳۲۲-۱۳۲۵ هـ ق تألیف و تنظیم شده، اما بیشتر مواد آن از تحقیقات و مطالعات مأموران انگلیسی در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم که از جانب حکومت هند مأمور خلیج فارس و نواحی پیرامون آن بوده‌اند، فراهم آمده است. این کتاب در شش جلد (دو جلد در مسائل جغرافیایی و چهار جلد مطالب تاریخی) تدوین شده است. هر چند قسمت جغرافیایی پیش از قسمت تاریخی تألیف شده اما اکنون به عنوان قسمت دوم کتاب در نظر گرفته شده است و قسمت تاریخ، در آغاز کتاب قرار دارد. دو جلد جغرافیایی کتاب در مورخهٔ بیست و چهارم دسامبر ۱۹۰۸ م و مقدمهٔ آن توسط لوریمر در استرات مارتین داندِر Strath و چهارم دسامبر ۱۹۰۸ م و مقدمهٔ آن در همان سال در کلکته به چاپ رسیده است. اما مقدمهٔ چهار جلد تاریخی آن در مورخهٔ دهم اکتبر ۱۹۱۴ م توسط ریچارد لاکینگتون بریدوود Richard Lockington BirdWood در سیملا Simla امضا شده است و سال ۱۹۱۵ م کلکته را دارد.<sup>۱</sup> این هنگامی بوده که لوریمر در قید حیات نبوده و بریدوود کار به چاپ رساندن

---

1. John Gordon Lorimer: Gazetteer of The Persian Gulf, Oman and Central Arabia, Calcutta Superintendent Government Printing, India 1908 and 1915, Gregg international publishers limited westmead Franborough, Hants, England and Irish university press, Shannon, Ireland, printed in Holand.

این ترجمه بر اساس چاپ شش جلدی کتاب با مشخصاتی است که ذکر شد. اما از آن یک دورهٔ نه جلدی نیز وجود دارد که چاپ ۱۹۸۶ م از Archive Edition است. باید توجه داشت کتاب دیگری به زبان

کتاب را انجام داده است. این ترجمه بر اساس تجدید چاپ سال ۱۹۷۰م کتاب در انگلستان و ایرلند و هلند صورت گرفته است. ناشران در ابتدای این چاپ متذکر شده‌اند که بر اساس نسخه اصلی کتابخانه دیوان هند<sup>۱</sup> این چاپ را انجام داده‌اند.

مؤلف کتاب، جان گوردون لوریمر، متولد ۱۴ ژوئن ۱۸۷۰م است. او عضو دفتر خدمات کشوری هند بود و از ۹ دسامبر ۱۹۱۳م مقام سرپرست سیاسی و سرکنسول بریتانیا در بوشهر را بر عهده داشت. لوریمر در هشتم فوریه ۱۹۱۴م هنگامی که مشغول پاک کردن اسلحه کمری خود بود کشته شد.<sup>۲</sup>

سدیدالسلطنه بندرعباسی در کتاب *مغاص اللئالی و منار اللیالی* در شرح مشاهدات خود در سال ۱۹۱۴م از بوشهر می‌نویسد کلنل لوریمر از بدایت سال ۱۹۱۴م مأمور [بوشهر] شده است. در همان جا مصحح کتاب *مغاث اللئالی*، جناب آقای احمد اقتداری توضیحاتی در مورد شخصیت لوریمر، مؤلف کتاب *گازتیه* ارائه کرده‌اند.<sup>۳</sup>

چنان که مشهور است اداره امور سیاسی، نظامی و اقتصادی امپراتوری مستعمراتی بریتانیا در خلیج فارس و نواحی اطراف آن بر عهده حکومت هند بوده است که مقرر فرمانروای آن در سیملا قرار داشت. در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی و در عصر ملکه ویکتوریا (۱۸۳۷-۱۹۰۱م) امپراتوری مستعمراتی بریتانیا به اوج وسعت خود رسید و تا اوایل قرن بیستم در هند، خلیج فارس و نواحی غرب آسیا مبدل به قدرتی بزرگ شد. این کتاب مانند بسیاری از کتاب‌های دیگری که مأموران بریتانیا فراهم آورده‌اند حاصل آن دوران به شمار

انگلیسی وجود دارد که دربردارنده فهرست قابل توجهی از تشکیلات اداری بریتانیا در خلیج فارس است و مجلدات متعددی را شامل می‌شود با این مشخصات:

The Persian Gulf Gazette and Supplements, Archive Edition, 1987.

1. India Office Library.

۲. لازم است توجه داشت که یکی دیگر از کنسول‌های انگلستان در ایران نیز لوریمر نام دارد. او سرگرد دیوید لاکهارت رابرتسون لوریمر Major David Lockhart Robertson Lorimer است که در اهواز (۱۹۰۴-۱۹۰۶) و کرمان در فاصله سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۰ کنسول بوده است. ر.ک. لویی رابینو، *دیپلمات‌ها و کنسول‌های ایران و انگلیس*، ترجمه غلامحسین میرزا صالح و کاوه بیات، تهران: انتشارات رسا، ۱۳۶۹، ص ۲۵۶. از لوریمر کنسول بریتانیا در کرمان کتابی در زمینه فرهنگ کرمان به چاپ رسیده که حاصل مطالعات او در فاصله سال‌های ۱۴-۱۹۱۲م است با این مشخصات: و. ل. لوریمر، *فرهنگ مردم کرمان*، به کوشش فریدون وهمن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.

۳. محمدعلی خان سدیدالسلطنه بندرعباسی، *سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش*، تنظیم و تحشیه و تعلیقات احمد اقتداری، تهران: جهان معاصر، ۱۳۷۱، ص ۱۱۳.

می آید و بدون شک با توجه به منافع و مقاصد بریتانیا تنظیم شده است. در هنگام تدوین مطالب کتاب (۶-۱۹۰۵م) لرد کرزن Lord Corzon، نایب‌السلطنه هند و سر ادوارد گری Sir Edward Gery، وزیر امور خارجه و سر والتر تونلی Sir Walten Townly، سفیر بریتانیا در تهران بوده‌اند و می‌دانیم که وسعت قلمرو و قدرت استعماری بریتانیا هیچگاه مانند آن زمان نبوده است. لرد کرزن در سال ۱۹۰۵م سفری به خلیج فارس داشت و شاید تا آن زمان این عالی‌ترین مقام انگلیسی بود که از خلیج فارس و سواحل آن دیدار می‌کرد.<sup>۱</sup> از نمودهای چنین شرایطی، گردآوری و تدوین مجموعه‌ای گسترده و در عین حال متنوع از مسائل تاریخی، جغرافیایی، قبایل، آمار تولیدات کشاورزی و دامی، مسائل تجاری، شرایط آب و هوایی، خصوصیات زمین‌شناسی، آمارهای جمعیتی، ویژگی‌های اداری و ارتباطی، اوزان و مقیاسات و تعداد کشتی‌ها و دیگر وسایل حمل و نقل و مواردی از این قبیل بود که همگی در اثر لوریمر گرد آمده است. این اطلاعات که در مرکز اداری سیملا در هند فراهم می‌آمد توسط لوریمر تدوین شده است و بدون شک حضور در بوشهر که محل اقامت نماینده بریتانیا در خلیج فارس بود به او فرصت بیش‌تری برای این منظور می‌داد.

هرچند کتاب Gazetteer بیانگر دیدگاه امپراتوری مستعمراتی بریتانیاست لیکن در بردارنده اطلاعات فراوانی از مناطق جغرافیایی خلیج فارس، اعم از مسائل آب و هوایی، ارضی، انسانی، اقتصادی، ارتباطی، آمار، ... است که شرایط صدسال پیش این مناطق را نشان می‌دهد. بسیاری از آبادی‌هایی که در این کتاب نام‌برده شده ممکن است تغییر نام داده یا از نظر اداری دچار دگرگونی شده باشند یا شرایط جمعیتی و اقتصادی آن‌ها دیگر وجود نداشته باشد. چنانکه ملاحظه خواهید کرد این کتاب که حتی آمار گوسفند و بز و نخل را به دست می‌دهد و یا جمعیت نواحی را بر اساس نفرات یا تعداد خانوار (با میانگین هر خانواده پنج نفر) ارائه می‌نماید و نیز فاصله آبادی‌ها و جهات جغرافیایی آن‌ها را ذکر می‌کند، به مانند دایره‌المعارفی غنی و پر مطلب اطلاعاتی از مسائل جغرافیایی و تاریخی در اختیار محققان می‌گذارد.

برای درک بهتر شرایطی که کتاب Gazetteer در آن به وجود آمده لازم است به این نکته توجه کرد که پس از سال ۱۸۵۶م / ۱۲۷۳هـ.ق برای بریتانیا شرایط جدیدی در سرزمین هند، اقیانوس هند و خلیج فارس پدید آمد. شورش سال ۱۸۵۶م نیروهای هندی تحت امر

---

۱. لرد کرزن در خلیج فارس بر پایه اسناد وزارت امور خارجه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.

بریتانیا موجب تجدید نظر کلی در اداره این مستعمره شد. کمپانی هند شرقی منحل گشت و نظام «فرمانروایی کل» از این مستعمره برداشته شد و به جای آن مقام «نایب‌السلطنه» برای هند مقرر گردید (۱۸۶۳م). در همان حال کشمکش بریتانیا با ایران در قضیه هرات که منجر به لشکرکشی به خلیج فارس و اشغال بوشهر و خرمشهر شد. بریتانیا توانست طی قرارداد پاریس، افغانستان را از ایران جدا سازد (۱۸۵۷م) و بدین ترتیب میان ایران و هند و نیز روسیه و هندوستان منطقه حائل به وجود آورد. این پیروزی به دلیل به کارگیری اهرم پر قدرت نظامی در خلیج فارس به دست آمد. پس از چندی کانال سوئز نیز افتتاح شد (۱۸۶۹م). در این راستا توسعه خطوط پستی از طریق زمین و دریا میان هند و انگلستان که در بخشی از مسیر خود از خلیج فارس عبور می‌کرد و نیز احداث و تکمیل خطوط تلگرافی، بخصوص از طریق خلیج فارس مورد توجه قرار گرفت. بدین ترتیب خلیج فارس روز به روز در سیاست مستعمراتی بریتانیا اهمیت بیشتری یافت. در سازماندهی جدید امور کنسولگری‌های بریتانیا در ایران مقرر شده بود که نیمه جنوبی ایران و جنوب خلیج فارس با استقرار یک سرکنسولگری در بوشهر اداره شود و در نیمه شمالی کشور سفارت بریتانیا در تهران عهده‌دار امور باشد. بدین ترتیب حکومت هند، هم در قبال ایران عهده‌دار وظایف بیشتری شد و هم در مورد خلیج فارس به سازماندهی کارآمدتری دست یافت. شرایط اقتصادی و سیاسی نیمه دوم قرن نوزدهم این تمهیدات را برای امپراتوری بریتانیا ضروری می‌ساخت. از اواسط همین قرن قدرت‌های جدید اقتصادی به خلیج فارس چشم دوختند. در اصل یکی از دلایل جنگ انگلیس با ایران در سال ۱۸۵۶م ترس از نزدیکی دیگر قدرت‌های غربی به دولت قاجار و عقد معاهدات تجاری و ارتباطی در مورد خلیج فارس بود.<sup>۱</sup> پس از چندی فرانسه، روسیه، آلمان و دیگر کشورها هم کم‌کم به خلیج فارس وارد شدند. بعضی از این قدرت‌های اقتصادی از طریق عقد معاهده با دولت ایران و بعضی با معاهداتی که با عثمانی بستند به این دریا دسترسی یافتند. بدین ترتیب در شرایطی که عصر ویکتوریایی به آخر می‌رسید و جهان در آستانه قرن بیستم قرار می‌گرفت، بریتانیا هرچند موقعیت برتر را در سیاست خلیج فارس داشت اما برایش رقبایی جدید و جدی وارد صحنه شده بودند. اوضاع جدیدی که در خلیج فارس پدید آمده بود، بریتانیا را به تکاپوهای بیشتری وامی‌داشت. شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس با عقد معاهداتی، هرچه

۱. در مورد این معاهدات ر.ک: سالم الجبیر الصباح، *امارات، خلیج فارس و مسئله نفت*، ترجمه علی بیگدلی، تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، ۱۳۶۸.



بیشتر با بریتانیا رابطه برقرار کردند. نیز روابط تجاری میان هند و خلیج فارس، بخصوص سواحل ایرانی آن، توسعه فوق‌العاده‌ای یافت. نگرانی بریتانیا در اصل از این جهت بود که این بازار تجاری با ارزش از جانب رقبایش تهدید شود. این بازار شامل جنوب ایران، بین‌النهرین و شبه جزیره عربستان می‌شد. این عرصه اقتصادی نه فقط از جانب رقیبانی غربی تهدید می‌شد، بلکه تکاپوهای جدیدی که در ایران و ممالک همجوار شروع شده بود نیز کم‌کم تأثیرگذار می‌گشت. مقدمات انقلاب مشروطه و تلاش تجار ایرانی برای دستیابی به موقعیتی بهتر، هم در دولت قاجار و هم در صحنه تجارت بین‌الملل اوضاع جدیدی را رقم می‌زد و این نشان می‌داد که از این پس تنها برتری نظامی و نفوذ سیاسی موقعیت ممتاز بریتانیا را حفظ نخواهد کرد. در نتیجه مطالعاتی وسیع اعم از نقشه‌برداری، آمارگیری، تهیه اطلاعاتی مربوط به اوضاع جغرافیایی و طبیعی، خطوط ارتباطی و مسائلی از این قبیل در مناطق اطراف خلیج فارس صورت گرفت. حجم وسیع اطلاعاتی که تا این زمان در آرشیو حکومت هند بریتانیا گردآمده بود نیز کمک شایانی به محققان انگلیسی می‌نمود. تدوین و تألیف همین مجموعه از اطلاعات خود فعالیت گسترده‌ای را طلب می‌کرد. بر این اساس در سال ۱۹۰۳م دولت هند، لوریمر را مأمور کرد کتاب *راهنمای خلیج فارس* را تدوین کند. پس از تهیه متن در فاصله سال‌های ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۵م تمامی نه جلد کتاب به عنوان سندی محرمانه تلقی گردید و منتشر نشد. برای تهیه این کتاب جرروم آنتونی سالدانها Jerome Antony Saldanha و جی. ایچ. گابریل G. H. Gabriel نیز با لوریمر همکاری داشتند. آنان چکیده اسناد بریتانیا در مورد خلیج فارس را در اختیار وی قرار می‌دادند. این مطالب کمک بزرگی به شکل‌گیری کتاب لوریمر کرده‌اند. چکیده‌هایی که سالدانها و گابریل تهیه کردند خود در هجده جلد منتشر شدند که همگی منابع بسیار ارزشمندی در مورد مسائل مختلف خلیج فارس به شمار می‌آیند.

در سال‌های نزدیک به تألیف کتاب راهنمای خلیج فارس توسط لوریمر هیئت‌های تحقیقی جدیدی به خلیج فارس، بخصوص سواحل ایرانی، اعزام شدند. پیش از آن در سال‌های ۱۸۲۱-۱۸۲۰ فیلیپ موگان Philip Maughan و جان گوی Jhon Guy را برای نقشه‌برداری از مناطق غربی تنگه هرمز در ساحل ایران اعزام کرده بودند. نیز در سال‌های ۱۸۲۵ تا ۱۸۲۸ سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس به وسیله کشتی مورد مطالعه قرار گرفت. حاصل این مطالعات تهیه بالغ بر پانصد نقشه بود.

ویلسون از مأموران عالی رتبه بریتانیا در خلیج فارس نیز در کتاب خود با عنوان *خلیج فارس* می‌نویسد اطلاعاتی درباره سواحل جنوبی ایران تهیه کرده که در کتابی به چاپ

رسیده است.<sup>۱</sup> به احتمال زیاد منظور او همین کتاب است. منتهی چون در ابتدا این کتاب محرمانه بوده است نام آن را ذکر نمی‌کند. لرد کوزن نیز که در اوایل قرن بیستم از ایران دیدار کرده است اطلاعات مفصلی از نواحی مختلف، از جمله اطراف خلیج فارس در کتاب *ایران و قضیه ایران* ارائه می‌نماید. با توجه به نایب‌السلطنه بودن او در هندوستان و جمع‌آوری اولیه مطالب کتاب Gazetteer در هندوستان می‌توان وجود رابطه‌ای محتوایی میان آنها را محتمل دانست.<sup>۲</sup>

در کتاب راهنمای خلیج فارس ذیل مدخل Persian Coast چگونگی گردآوری اطلاعات و نیز منابع مکتوب برای تفصیل مطالب ذکر شده است. از جمله نوشته شده که اطلاعات مربوط به تنگستان و دشتی را آقا محمد محسن و آقا میرزا خلیل، کارمندان کنسولگری بریتانیا در بوشهر در سال‌های ۱۹۱۶-۱۹۰۵ م تهیه کرده‌اند. همچنین آقای Bada بن محمدامین اطلاعاتی در مورد بوشهر و تنگستان جمع‌آوری کرده است.<sup>۳</sup>

در مورد محتوای کتاب Gazetteer لازم است توجه داشت که این کتاب فقط به مناطقی در پیرامون خلیج فارس (ساحل ایرانی) پرداخته است که «لو لند» (Low Land)، یعنی اراضی کم ارتفاع بوده‌اند و منظور همان منطقه ساحلی است. در نتیجه به اراضی «های لند» (High land) یا مرتفعات که اینجا منظور نواحی کوهستانی شرق دشتی، دشتستان و تنگستان است توجهی نشده است. در حالی که در ک شرایط جغرافیایی این نواحی بدون توجه به کوهستان‌های آنها به درستی امکان‌پذیر نیست. در واقع آنچه در این ترجمه از کتاب Gazetteer آورده شده است و قسمت اعظم استان کنونی بوشهر را دربر می‌گیرد، منطقه‌ای بود که هم مهم‌ترین بندر ایرانی عصر قاجار یعنی بوشهر در آن قرار داشت و هم مهم‌ترین و طولانی‌ترین شاهراه تجاری ایران در حدفاصل بوشهر-تهران از آن آغاز می‌شد. سرکنسولگری بریتانیا برای نواحی جنوبی ایران و خلیج فارس نیز در بوشهر مستقر بود. به همین جهت این محدوده جغرافیایی از نظر استراتژیک هم برای ایران و هم برای بریتانیا

۱. آرنولد تالبوت ویلسون، *سفرنامه ویلسون یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران*، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: وحید، ۱۳۶۳. در صفحه ۴۶ این کتاب در شرح سفرهایش در جنوب ایران می‌نویسد: «اینجانب در این مأموریت اسامی و اعلام جغرافیایی جنوب غربی ایران را ثبت و ضبط کرده و بعدها در هفت جلد مفصل به طبع رساندم».

۲. جرج ناتانیل کوزن، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی، ۲ج، تهران: علمی و فرهنگی،

محل توجه بوده است. می‌دانیم آنها در اینجا سه نوبت رویارویی نظامی با هم داشته‌اند و دولت قاجاریه نیز برای دفاع از سواحل این بخش از جنوب ایران بیش از هر جای دیگری توجه نشان می‌داد. چنانکه گزارش‌های ایرانیان و انگلیسی‌ها هم این امر را نشان می‌دهد. علاوه بر کنسولگری بریتانیا، دیگر کشورها نیز در بوشهر کنسولگری داشتند و دفاتر تجاری متعددی در آنجا مستقر بود. تأمین امنیت، تأمین مایحتاج غذایی و کلیه امور مربوط به سکونت آنها به طور طبیعی از همین محدوده جغرافیایی صورت می‌گرفت. نظر به اهمیت این منطقه، تحولات اداری قابل توجهی را طی یکصد سال گذشته در آن شاهد بوده‌ایم؛ از جمله آنکه بوشهر مرکز واحد سیاسی اداری خاصی موسوم به «حکومت بنادر» شد و سپس با دربرگرفتن قسمت‌های بیشتری از استان فارس به صورت «حکومت بنادر و سواحل» و سرانجام «فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس» درآمد که استان هرمزگان فعلی را هم دربر می‌گرفت. سپس در اوایل دهه ۱۳۵۰ش بود که به صورت استان کنونی بوشهر درآمد. بدین جهت از نظر مطالعه سیر جغرافیای تاریخی و اداری استان بوشهر، کتاب Gazeteer واجد اهمیت است، چنانکه در مورد نام خلیج فارس که هم در عنوان و هم، در محتوای کتاب محل تأکید و تکرار بسیار است نیز می‌توان آن را از جمله مدارک و منابع مهم به شمار آورد.



## شبه جزیره بوشهر<sup>۱</sup>

### Bushehr Peninsula

شبه جزیره بوشهر دماغه‌ای اژدر مانند است که به موازات ساحل تنگستان در فاصله چهار یا پنج مایلی آن واقع شده است. حدفاصل شبه جزیره بوشهر و تنگستان زمینی علفزار و مردابی موسوم به مشیله mashileh قرار گرفته و تقریباً در متتهالیه وسط شبه جزیره راهی وجود دارد که در آن کاروان‌ها به داخله ایران رفت و آمد می کنند<sup>۲</sup>.

---

1. Gazetteer, Vol. IIA, PP. 330-350.

۲. اگرچه بوشهر مورد بازدید عده زیادی از سیاحان و مأموران ایرانی و خارجی قرار گرفته و از شهر بوشهر گزارش‌های بسیاری ارائه شده است اما در مورد شبه جزیره بوشهر گزارش لوریمر را از نظر تفکیک مطالب و تفصیل اطلاعات باید واجد اهمیت قابل توجه دانست. باین وجود گزارش‌های قبلی را که متضمن فوایدی هستند نیز باید مدنظر داشت، از جمله گزارش نیبور، سیاح هلندی که در عصر زندیه به بوشهر آمده و شرح مختصری، بخصوص در مورد مسائل دریایی دارد (سفرنامه نیبور، ص ۳۷) و مهندسی ناشناخته که در سال ۱۲۵۶ از بوشهر دیدار کرده (دو سفرنامه از جنوب ایران، ص ۶۹-۷۵) و گزارش محمدابراهیم نادری کازرونی که در سال‌های ۱۲۶۴-۱۲۵۰ به سواحل خلیج فارس آمده (تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس در زمان محمدشاه قاجار، ص ۴۷-۵۸) و «نزہت الاخبار» و «آثار جعفری»، هر دو نوشته حقایق نگار خورموجی (ص ۷۵) و مطالب میرزا حسن فسایی در فارسنامه تحت عنوان «ناحیه مضافات بوشهر» (فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۲۱۰) و آثار عجم نوشته محمدنصیر بن جعفر فرصت‌الدوله شیرازی (تهران: بامداد، ۱۳۶۲، ص ۳۷۰-۳۶۹) و تاریخ بوشهر نوشته محمدحسین سعادت (۱۳۸۹) و سرانجام مغاص اللئالی و منار اللیبالی نوشته سدیدالسلطنه که در سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۲ هـ ق تألیف شده است. بر این مجموعه می توان سنگستان نوشته احمدی ریشه‌ری را هم افزود که تحقیقی اصیل به‌شمار می آید. لازم به تذکر است که اثر سدیدالسلطنه یعنی مغاص اللئالی که با عنوان سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش چاپ شده است، بسیار باارزش و حاوی اطلاعات فراوان و ارزشمندی بخصوص در مورد مسائل اجتماعی بوشهر است. او می نویسد مردم ریشه‌ری شبه جزیره بوشهر را «جزیره ریشه‌ری» می نامند (مغاص اللئالی و منار اللیبالی، ص ۵۲) اما لرد کرزن می نویسد که بوشهر در اصل شبه جزیره بوده که به دلیل بالا آمدن آب در منطقه مشیله تبدیل به جزیره شده است (ایران و قضیه ایران، ج ۲، ص ۲۸۳). مسعود کیهان درباره بوشهر می نویسد:

←

### حدود

درازای شبه جزیره بوشهر از رأس شمال غربی آن - محل استقرار شهر بوشهر - تا رأس هلیله، نقطه انتهایی آن، دوازده مایل است. سرزمینی که بین این دو نقطه به شکل منحنی محدب است، در منطقه میانی حداکثر سه و نیم مایل پهنا دارد. دنباله‌ای کوچک که از رأس هلیله به سوی جنوب شرقی امتداد یافته، مشیله را از سمت دریا قطع می‌کند. شبه جزیره بوشهر از طرف شمال، جنوب و غرب به وسیله دریا احاطه شده و از طرف شرق به وسیله مشیله محدود می‌گردد. در قسمت شمالی مشیله، خور سلطانی khor sultani قرار دارد که از طریق یک گذرگاه آبی وارد بندرگاه<sup>۱</sup> بوشهر می‌شود.

### مشخصه‌های طبیعی، آب و زراعت

محل استقرار شهر بوشهر صخره‌ای و اندکی بالاتر از سطح دریاست. اما از سمت جنوب بلافاصله منتهی به زمینی باریک و بسیار کم ارتفاع می‌شود که در ساحل شبه جزیره از یک سو تا سوی دیگر آن امتداد دارد. در حد فاصل این دو باریکه کم ارتفاع، زمین مجدداً به تدریج مرتفع می‌شود و سراسر شبه جزیره را شبیه پشت لاک پشت می‌سازد که حداکثر ارتفاع آن در مرکز روستای امامزاده Emam zadeh به یکصد و پنجاه پا می‌رسد. در جنوب غربی شهر بوشهر ساحل صخره‌ای ممتد کم ارتفاعی وجود دارد. همین وضع در ریشهر، همسایه بوشهر نیز دیده می‌شود. در جنوب ریشهر ارتفاع زمین به یک‌باره کاهش می‌یابد و پس از طی مسافتی به دریا منتهی می‌گردد. در سمت غرب - به سوی دریا - و در سمت شرق - به سوی مشیله - چندین دره تنگ و عمیق قابل توجه وجود دارد که از جمله

---

«بوشهر و حومه آن جلگه کم ارتفاعی است که یک متر از سطح دریا بیشتر ارتفاع ندارد و در موقع طغیان آب قسمتی از آن را آب می‌پوشاند و جاده شوسه‌ای از این جلگه کم ارتفاع که آن را مسیله می‌نامند عبور می‌کند. مرکز آن بوشهر، که مرکز حکومت بنادر و دشتستان است. کشتی‌های بزرگ تجارتي نمی‌توانند به آن نزدیک شوند معذک لنگرگاه آن کاملاً محفوظ و با مختصر تغییراتی مناسب برای ورود کشتی‌ها خواهد شد. هوای شهر و اطراف آن گرم و تا دو کیلومتری آن آب مشروب یافت نمی‌شود و هیچ نوع درختی جز بعضی نخل‌های کوچک در آن نمی‌توان یافت. صادرات مهم این بندر تنباکو، پنبه، پشم، شراب، تریاک، عطر گل، گلاب و قالی؛ واردات آن مصنوعات اروپا، حومه آن دارای ۲۰ قریه است» (مسعود کیهان، جغرافیای طبیعی ایران، تهران، بی‌نا، ۱۳۱۱، ج ۲، ص ۴۷۸-۴۷۷).

۱. منظور لنگرگاه بوشهر است که در سمت مغرب آن و در فاصله حدود پنج کیلومتری واقع شده است و نباید آن را با بندرگاه که روستایی در جنوب شبه جزیره بوشهر است اشتباه گرفت.

آن‌ها گودالی است موسوم به «اندر بن دره» یا «اندر بنه دره» Andar-i-Buneh Dareh که به آن «اندر بندر» Āndar bāndar نیز می‌گویند.<sup>۱</sup> دره اندر بندر از مرکز شبه جزیره به طرف کرانه شرقی آن کشیده شده است؛ موقعیت آن بدین ترتیب است که اندکی در جنوب خط تلگراف که به داخله ایران می‌رود، قرار دارد. در سمت جنوب آن نیز قناتی وجود دارد که آبی تحت‌الارضی<sup>۲</sup> برای مصرف (کشاورزی) به سطح زمین می‌رساند. قسمت‌های کم ارتفاع شبه جزیره، شنی است اما قسمت‌های مرتفع، زمینی محکم با خاک مزروعی دارد. در همان حال در بسیاری از نقاط خاک نرم پوشیده از صخره‌های شنی سوراخ‌دار به صورت لایه‌ای افقی و قطعات سنگی دیده می‌شود.

تعداد چاه‌ها در شبه جزیره بسیار است، اما آب نوشیدنی واقعی در آنجا وجود ندارد. بهترین آب شبه جزیره از چاه کم عمقی نزدیک ساحل بندر هلیله به دست می‌آید که مقدار آن تا اندازه‌ای قابل توجه است. در محلی موسوم به نیدی Naidi در فاصله یک یا دو مایلی جنوب شهر بوشهر نیز مقداری آب تهیه می‌شود.<sup>۳</sup>

اینجا و آنجا شبه جزیره کمی سرسبز است. اما به طور معمول تنها گیاه خودروی آنجا عناب و گز به شمار می‌آید. اگرچه بابل Bābul و سرو نیز دیده می‌شود. اغلب درختی با گل زرد رنگ موسوم به گل ابریشم Gul-i-Abrisham و درخت دیگری با گل سرخ موسوم به پنجه عروس Panjeh-i-Arūs هم وجود دارد. (در بوشهر) گل سرخ به عمل می‌آید اما خوب نیست. گل یاس Bougainvillea و خرزهره در آنجا خوب رشد می‌کند.

## آب و هوا

در مورد آب و هوای شبه جزیره بوشهر به مطلب مربوط به شهر بوشهر مراجعه کنید. اما لازم به تذکر است که شدت گرما در فصل تابستان در بلندترین نقطه آن کمتر است. هوای

۱. در منابع فارسی نیز این نام به صورت «اندر بندر» آمده است (دو سفرنامه از جنوب ایران در سال‌های ۱۲۵۶هـ.ق و ۱۳۰۷هـ.ق، به کوشش سیدعلی آل داود، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۷۲). اما سکنه آن را به صورت‌های ondor bondor و گاهی ondor mondor تلفظ می‌کنند. عده‌ای که سقایی داشته‌اند از اینجا آب به شهر بوشهر می‌برده‌اند و کسانی برای نگهداری چاه و فراهم آوردن امکانات آب‌کشی در آنجا حضور داشته و وجهی دریافت می‌کرده‌اند.

۲. این آب که غیرقابل شرب است را «زه» zeh می‌نامند و می‌تواند تا حدودی برای زراعت مفید باشد.

۳. اکنون «نیدی» یکی از محلات شهر بوشهر است. در واقع شهر بوشهر تا آن اندازه گسترش یافته که عملاً سراسر شبه جزیره بوشهر را دربر گرفته است.

خنک مدام به وسیله طوفانی از گرد و غبار به سوی شبه جزیره رانده می شود. در زمستان ابرهای سفیدرنگی که از خلیج فارس برمی آیند در بالا با جریان هوای سردی که از کوهستان می آید برخورد می کنند و به هم می پیوندند. سپس به طرف شرق و به سوی رشته کوه‌هایی که در شرق شهر بوشهر و در منتهالیه زمین شیب‌دار منطقه ساحلی قرار دارند، کشیده می شوند. گاهی نیز با تغییر جهت باد، ابرها به سوی ساحل بازمی گردند. طوفان اغلب در ماه دسامبر<sup>۱</sup> رخ می دهد که گاهی همراه با تندر و تگرگ است.

### جمعیت

تعداد ساکنان شبه جزیره بوشهر منهای شهر بوشهر در حدود هشت هزار نفر است که متعلق به قبایلی آمیخته به هم هستند.<sup>۲</sup> تعدادی از ثروتمندان بومی بوشهر، در قسمت شمالی شبه جزیره باغ‌ها و خانه‌های بیلاقی دارند و در همان جا نیز زندگی می کنند. آن‌ها هر روز برای کار و کسب سواره به شهر می روند. ساکنان دهات شبه جزیره در حدود سیصد تفنگدار دارند که تمامی آن‌ها تحت امر کدخدای ریشهر هستند.

### کشاورزی و تجارت

مقدار زیادی از زمین‌های شبه جزیره بوشهر قابل کشت است که قسمتی از آن با استفاده از چاه و قسمتی دیگر به نحوی نامنظم با باران آبیاری می شوند. محصولات به طور معمول گندم و جو هستند. بذرافشانی حدود یک ماه پس از شروع باران‌های زمستانی<sup>۳</sup> انجام و

۱. مطابق دهم آذر تا دهم دی ماه. مردم بومی چنین طوفانی را ضربه عقرب می نامند و گاه زودتر از این زمان نیز رخ می دهد. چه در دریا و چه در خشکی، این طوفان خسارت بار است.

۲. سکنه بندر بوشهر تمام مردم خارج از شهر بوشهر و ساکن در شبه جزیره بوشهر را به طور عام «صحرائی» می نامیدند. سدیدالسلطنه به نحوی میهم از آنان با عنوان بادیه نشینان بوشهر نام می برد (محمدعلی خان سدیدالسلطنه کبابی، سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صدسال پیش ۱۳۲۲-۱۳۳۴ ه.ق: «مغاص اللئالی و منار اللیالی»، تنظیم، تحشیه و تعلیقات: احمد اقتداری، تهران: جهان معاصر، ۱۳۷۱، ص ۲۳) و در جایی دیگر می نویسد سکنه شبه جزیره بوشهر دو دسته اند: دسته اول که سکنه اصلی هستند «رعیت» نامیده می شوند و دسته دوم که خوش نشینان هستند را «الوار» می نامند (پیشین، ص ۵۴-۵۳).

۳. در شبه جزیره بوشهر و مناطق اطراف آن، کشت غلات پس از باران را «پس کال» Paskal می نامند که به طور معمول پس از باران آذرماه یا اوایل دی است. اما قبل از باران نیز ممکن است کشت صورت گیرد که بدان «پیش کال» Pishkal می گویند. به هر حال منظور کتاب، پس کال است. در مورد باران خواهی در



محصول پس از چهار ماه درو می‌شود. ابتدا دانه را بر زمین می‌پراکنند و پس از آن با خیشی کوچک که به وسیله یک رأس گاو یا الاغ کشیده می‌شود، خاک را روی آن برمی‌گردانند. در بعضی از مناطق شبه‌جزیره نخلستان وجود دارد<sup>۱</sup> اما وسعت چشم‌گیری ندارند. کشت ویژه شبه‌جزیره انگور است. در آنجا تاک با روشی تقریباً عجیب بار آورده می‌شود. ابتدا تاک‌ها در چاه یا چاله عمیقی کاشته و بعد به سطح زمین هدایت می‌شوند. سپس بر پشته‌ای از سنگ تربیت آن‌ها ادامه می‌یابد. هر چاله تاک و پشته سنگی آن با دیوار کوتاهی از سنگ به شکل محوطه‌ای دایره‌ای شکل محصور می‌شود که قطر آن معمولاً بیست یارد است؛ بعضی بیشتر و بعضی بسیار کم‌تر<sup>۲</sup>. تاک‌های ریشهر به ویژه پر محصول هستند و هر درختی تقریباً دو هزار پوند محصول سالیانه دارد. انگور در بوشهر بازار دارد. تعداد پانزده تا بیست هزار اصله درخت خرما در شبه‌جزیره بوشهر وجود دارد.

---

بوشهر و دیگر آداب محلی ر.ک: عبدالحسین احمدی ریشهری، سنگستان، بوشهر: انجمن خدمات فرهنگی ایرانیان خارج از کشور، شرکت صنعتی دریایی ایران (صدر)، ج ۱، ص ۷۱ به بعد.

۱. سدیدالسلطنه می‌نویسد که در سال ۱۳۳۳ هـ ق / ۱۹۱۴ م شماره نخل‌های بوشهر ۳۶۰۰۰ بوده است. بر این اساس گزارش لوریمر که وسعت نخلستان در بوشهر را اندک می‌داند و مربوط به سال ۱۹۰۵ م است، نمی‌توان دقیق دانست (ر.ک: مغاص‌اللثالی، ص ۱۰۳).

۲. مردم محلی این محوطه‌ها را کره karreh انگوری می‌گویند. فراوانی محصول انگور ریشهر را سدیدالسلطنه نیز مورد تأکید قرار داده است (ر.ک: مغاص‌اللثالی، ص ۵۵). همان‌جا او می‌نویسد: «غوره و کاهوی شبه‌جزیره ممتاز افتد». نیز باید توجه داشت که نحوه کشت انگور و نگهداری و تربیت و به ثمر نشاندن آن، آن هم در شرایط آب و هوایی نامساعد شبه‌جزیره بوشهر کار بسیار حیرت‌انگیزی بوده که توسط گذشتگان سخت‌کوش ما صورت می‌گرفته است. در کتب زراعی قدیم نیز به این روش ابتکاری اشاره شده است از جمله در *ارشادالزراعه* که به تفصیل درباره درخت انگور صحبت کرده است (ر.ک: قاسم بن یوسف ابونصری هروی، *ارشادالزراعه*، به اهتمام محمد مشیری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶، صفحات ۲۲۴-۲۳۶). نیز در کتاب *آثار و احیاء* نوشته رشیدالدین فضل‌الله همدانی که سخن مفصلی درباره کشت انگور دارد و در آن آمده است که در ولایت همدان در شهر سدآباد (شاید اسدآباد) ابتدا رز را در باغ می‌پرورند و سپس به چاهی سی یا چهل گزی نقل می‌کنند و در آن چاه می‌آویزند و سر مو را به سر چاه به ریسمانی می‌بندند (رشیدالدین فضل‌الله همدانی، *آثار و احیاء* (متن فارسی درباره فن کشاورزی) به اهتمام منوچهر ستوده و ایرج افشار، تهران: موسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه مک گیل و دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، صفحات ۳-۷). توضیحاتی که رشیدالدین در مورد جنس خاک مناسب برای کشت انگور، میزان حرارت مورد نیاز برای ترش یا شیرین بودن آن و نیز فواید دراز کردن شاخه‌های مو، نشان می‌دهد که کشاورزان ریشهری تجارب ذی‌قیمتی در این باره داشته‌اند. همچنین مترجم نزد ساکنان شهرهای اطراف بوشهر تعریف مرغوبیت غوره ریشهر را بارها شنیده است.

میوه‌های دیگر آنجا عبارتند از: هندوانه، خیار زرد، نارنج، لیموترش، انار، مرکبات و انواع انجیر. نوعی پرتقال هم وجود دارد که بدان پرتقال بغدادی می‌گویند.<sup>۱</sup> سبزیجات از هر نوعی رشد می‌کند. همچنین در تابستان خیار، کدو، بادمجان<sup>۲</sup>، گوجه‌فرنگی<sup>۳</sup>، و در زمستان هویج، چغندر، کلم، گل‌کلم، شلغم، باقلا، نعنای، کاهو و فلفل به دست می‌آید. کاهوی بوشهر در ایران خواهان بسیار دارد. سیب‌زمینی به مقدار خیلی کم به عمل می‌آید و بیشتر از شیراز و کراچی وارد می‌شود.<sup>۴</sup>

در شبه‌جزیره بوشهر فقط با بندر (شهر) بوشهر تجارت صورت می‌گیرد و بندر دیگری هم وجود ندارد. فقط چند بندرگاه کوچک وجود دارد که مورد استفاده محدود شناورهای صیادی روستای مجاور آن قرار می‌گیرد.

### ارتباطات

تنها جاده مناسبی که در شبه‌جزیره وجود دارد و برای استفاده وسایل نقلیه استحکام لازم را داراست، جاده‌ای به طول شش مایل از شهر بوشهر به سبزآباد است. نگهداری از این جاده را اشخاص استفاده‌کننده از آن و تحت نظارت نمایندگی بریتانیا متقبل شده‌اند.<sup>۵</sup> جاده فوق‌الذکر دارای یک شاخه فرعی تا ریشهر است. راه‌های زمینی از شهر بوشهر به بندرعباس، خرمشهر و شیراز از طریق یک جاده مشترک پنج مایلی از جنوب شرقی شهر

۱. ظاهراً تصور مردم بر این بوده که این میوه از بغداد آورده شده است.

2. Brinjals.

3. Bindis.

۴. از محصولات زراعی شبه‌جزیره بوشهر دو محصول هندوانه و پنبه مورد توجه بوده است. فراوانی محصول هندوانه که مصرف آن در تابستان ضرورت داشته همواره مورد تأکید دیدارکنندگان از بوشهر بوده است (ر.ک. دو سفرنامه از جنوب ایران، ص ۷۲) نیز پنبه که محصول قابل توجهی داشته است (ر.ک. مغاص اللئالی و منار اللیالی، ص ۵۲) لوریمر از این دو مورد کاملاً غفلت کرده است.

۵. از آنجا که سرکنسولگری بریتانیا و تأسیسات تلگراف‌خانه هند و اروپا و منازل کارکنان آنها در سبزآباد قرار داشت و در شهر بوشهر کنسولگری (بالیوزخانه) بریتانیا استقرار داشت، در مسیر مابین آنها رفت و آمد دائمی روزانه برقرار بود. این خود موجب شکل‌گیری یک جاده درشکه‌رو شده بود. به همین نحو تعدادی از تجار و کنسول‌های ساکن بوشهر خانه‌هایی خارج شهر داشتند که در فرهنگ مردم محل به آنها «عمارت» می‌گفتند و روزانه به آنجاها رفت و آمد می‌کردند. در نتیجه برای نگهداری جاده همگی صرف هزینه می‌کردند.

بوشهر، از شبه جزیره خارج می‌شوند.<sup>۱</sup> قابل توجه است که در سال ۱۹۰۶م جاده شیف به دستور حکمران بنادر خلیج [فارس] به نفع جاده احمدی بسته شد. هم‌اکنون کاروان‌هایی که از نقاط بالایی (شمال) کشور می‌خواهند به بوشهر بیایند، مجبور هستند در بیرون دروازه شهر توقف کنند. تغییر گمرک از شیف به بوشهر ناشی از اجحافات بود که خان انگالی انجام می‌داد. او بر طبق قانون، سالانه چهارهزار و هشتصد تومان بابت جمع‌آوری عوارض گمرکی به دولت می‌پرداخت. در سال ۱۹۰۶م اقدام قابل توجه دیگری که در کنار ترتیبات جدید صورت گرفت، احداث یک کاروانسرای بزرگ، درست نزدیک شهر بود. جاده شیف هیچ‌گاه مسیر عمومی تجارت نبوده زیرا در شیف انبار برای نگهداری کالا وجود نداشته است. حتی حیوانات بارکش را هم نمی‌توانستند در آنجا نگهداری کنند، به طوری که آن‌ها را در محلی نزدیک خوشاب<sup>۲</sup> khushāb نگه می‌داشتند و سپس در مواقع لزوم به شیف می‌بردند.

اداره تلگراف هند و اروپا (در شبه جزیره بوشهر) دارای سه رشته سیم است که دو تا از جاسک و یکی از فاو وارد می‌شود. محل ورود آن‌ها از دریا به خشکی در چند صد یاردی غرب قلعه ریشهر است و از آنجا حدود یک مایل به سمت شمال شرق امتداد می‌یابد. در آنجا ایستگاه تلگراف قرار دارد که شامل شش یا هفت ساختمان بزرگ است.<sup>۳</sup> خدمه اروپاییی مخابرات که قبلاً بیست و پنج نفر متخصص بودند اکنون به چهارده نفر کاهش یافته‌اند، زیرا از زمان به کارگیری وسایل خودکار مکالمه از راه دور دیگر تکرار دستی مکالمات ضرورتی ندارد. از دفتر تلگراف ریشهر سه خط زمینی در امتداد شبه جزیره و مشیله به سوی ساحل و شیراز کشیده شده است. اول آنکه یک خط کوتاه تلگراف به محل اقامت نماینده بریتانیا در سبزآباد<sup>۴</sup> و خطی دیگر (دوم) که خط تلگراف شیراز به سوی ساحل شبه جزیره را همراهی می‌کند. خط سوم از طرف شمال به بوشهر می‌رود که در آنجا دستگاه‌های واقع در نمایندگی بریتانیا<sup>۵</sup> و دفتر تلگراف ایرانی بدان متصل می‌شوند. بنابراین

۱. منظور از جاده مشترک، جاده‌ای بود که از شهر بوشهر آغاز می‌شد تا آنجا که از محلی به نام «برج مقام» از شبه جزیره بیرون می‌رفت.

۲. «خوشاب» روستایی است در پنج کیلومتری غرب برازجان و در خاک دشتستان. اینجا تا شیف حدود ۳۶ کیلومتر است. برای تفصیل بیشتر به مطلب دشتستان مراجعه شود.

۳. در بوشهر این ساختمان‌ها معروف به «هفت بنگله» هستند.

۴. منظور سرکنسولگری بریتانیا در خلیج فارس و نیمه جنوبی ایران است.

۵. منظور نایب کنسولگری بریتانیا در شهر بوشهر واقع در محله کنونی است.

نمایندگی در بوشهر یا سبزآباد و دفتر تلگراف ایرانی با شیراز در ارتباط قرار گرفته‌اند. دفتر تلگراف‌خانه [تلگراف هند و اروپا] در ریشهر و دفتر [تلگراف] ایرانی در بوشهر تقریباً به طور مداوم یکی از سه رشته سیم تلگراف به شیراز را در اختیار دارند.<sup>۱</sup>

### تشکیلات اداری

هم‌اکنون کدخدای ریشهر که از جمله مهاجران و از خانواده انگالی است اجاره در آمد زمین‌های شبه جزیره را به قرار سالی پانصد تا ششصد تومان در اختیار دارد. او سی و پنج تا چهل مرد مسلح به تفنگ دارد که به عنوان نیروی انتظامی در روستاها فعالیت می‌کنند. از آنها برای نگهبانی و همراهی شخص حکمران بنادر خلیج [فارس] نیز استفاده می‌شود. شبه جزیره بوشهر به طور طبیعی جزو قلمرو حکمران بنادر است که مقر او در شهر بوشهر قرار دارد.

### آبادی‌ها<sup>۲</sup>

آبادی‌های مهم و قابل توجه شبه جزیره بوشهر به قرار زیر است:

۱. در بوشهر و مناطق پیرامونی آن به طور معمول خط تلگراف هند و اروپا را «سیم انگلیسی» و خط تلگراف دولت ایران را «سیم ایرانی» می‌خواندند. افرادی موسوم به «سیم‌بان» و وظیفه نگهداری از خطوط تلگراف را برعهده داشتند و علاوه بر مواقعی که به دلیل قطع سیم به بازرسی و تعمیرات می‌پرداختند، به طور مرتب نیز سرکشی خط در طول مسیر را انجام می‌دادند. خوانین محلی نیز موظف بودند از خطوط نگهداری کنند و مردم محل را از هرگونه ایجاد مانع یا مشکل در مسیر خطوط تلگراف باز دارند.
۲. برای تطبیق اسامی آبادی‌های شبه جزیره بوشهر با موقعیت کنونی آنها به کتاب‌های فرهنگنامه بوشهر نوشته سیدجعفر حمیدی (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰)؛ معماری بوشهر در دوره زند و قاجار، نوشته فراز غلامزاده (تهران: آبادبوم، ۱۳۹۱) و جغرافیای طبیعی و انسانی بوشهر نوشته عبدالحسین کتین (تهران: طلوع دانش، ۱۳۸۷) مراجعه کنید. نیز محمدحسین سعادت در تاریخ بوشهر، آبادی‌های شبه جزیره بوشهر را که حومه آن به شمار می‌آمده‌اند به سه دسته تقسیم می‌کند. روستاهایی که در سمت مغرب هستند شامل محمودآباد، بن مانع، جفره، مققعه، مندنی، دواس، احشام خواجه‌ها، بهمینی، ریشهر، شغاب، هلیله؛ روستاهایی که در سمت مشرق واقع شده‌اند: ظلم آباد، جبر آباد و پودر؛ روستاهایی که در وسط قرار دارند: سنگی، شکری، عسلی، هلالی، لیل، احشام‌نو، احشام دلاک‌ها، احشام حاج محمدتقی، احشام آخوند، چه‌باغ، باغ ملا، باغ شیخ ابول (محمدحسین سعادت: تاریخ بوشهر، تصحیح و تعلیقات: عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ‌الحکمایی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۹، ص ۵۰).

### عسلو<sup>۱</sup> Asalu

عسلو در حدود دو و نیم مایلی جنوب بندر بوشهر واقع شده و دارای پانزده کلبه است. اهالی دارای چندین رأس گاو و الاغ هستند. آنجا حدود یک هزار اصله نخل وجود دارد.

### بن مانع Bin Mānā

در حدود دو مایلی جنوب بوشهر واقع شده است. شامل یکصد کلبه است و مردم آن بیشتر تازی هستند. بن مانع اقامتگاه تابستانی است و در زمستان تعداد سکنه به بیست کلبه تقلیل می‌یابد. اهالی پانزده رأس گاو و سی رأس الاغ دارند.

### شهر بوشهر Būshehr Town

در رأس شمالی شبه جزیره واقع شده و در مورد آن ذیل عنوان شهر بوشهر توضیح داده شده است.

### خشم دلاکها / دلاکا<sup>۲</sup> Khashm Dallāka

نزدیک به دو مایلی جنوب شهر بوشهر واقع شده است و دوازده کلبه دارد. دو خانه ییلاقی توسط یهودیان در آنجا ساخته شده است.

### دواس<sup>۳</sup> Davas

در یک مایلی شمال قلعه ریشهر قرار دارد و دارای چهل و پنج کلبه گلی است. اهالی سی رأس الاغ، بیست رأس گاو و یکصد گوسفند دارند.

### حلیله<sup>۴</sup> Halileh

---

۱. پیرمردی در بوشهر به نگارنده (خیراندیش) اظهار داشت صحیح این نام «اصلو» است به معنای «اصلی» زیرا سنگ خوبی در آنجا استخراج می‌شد. سدیدالسلطنه هم می‌نویسد که تلفظ این نام در حرف اول و دوم به صورت مهملتین است. در نتیجه می‌توان تلفظ آن پیرمرد را قابل توجه دانست.

۲. در متن انگلیسی چنین است اما خَشَم khasham صورت تلفظ صحیح آن است که ظاهراً در اصل حَشَم Hasham بوده است و در استان بوشهر به معنای محله یا آبادی به کار می‌رود. در اصل حشم و صورت جمع آن احشام و در گویش محلی احشوم Ehshoom است، به روستایی اطلاق می‌شده که اقتصاد آن مبتنی بر کشاورزی نبوده است. در این صورت به طور معمول اهالی روستا دامداری می‌کردند و یا مرغ و خروس پرورش می‌دادند.

۳. مردم محلی این نام را با تشدید «واو» تلفظ می‌کنند: Dav-vās.

۴. در متن به صورت حلیله آمده است. میرزا جعفرخان خورموجی نیز در *نزهت‌الآخبار* به صورت حلیله می‌نویسد (ص ۷۴، ۷۶ و ۷۷). اما مشهور هلیله است. در دیگر صفحات این ترجمه به صورت هلیله نقل ←

در ده مایلی جنوب و کمی به طرف شرق شهر بوشهر واقع شده است. هلیله کمتر از یک مایل از منتهالیه جنوبی شبه جزیره بوشهر فاصله دارد. دارای چهل خانه است. بیشتر خانه‌های آنجا از گل و توسط بنایان ساخته شده‌اند. دهکده هلیله بر زمینی سنگی و کم ارتفاع قرار دارد و فقط چند پا از سطح دریا بالاتر است. در سمت شمالی آن نخلستانی وجود دارد که منتهی به نخستین برآمدگی می‌شود و در حدود یک مایل به طرف شمال امتداد می‌یابد. در هلیله تا حدودی کشاورزی رواج دارد که بیشتر با استفاده از آب چاه صورت می‌گیرد.

#### بندر حلیله (Bandar) Halileh

در حدود یک و نیم مایلی جنوب شرقی روستای هلیله قرار دارد. این روستا در نقطه مخالف یا سمت شرقی روستای هلیله واقع شده و دارای چهار یا پنج کلبه و لنگرگاه مناسب برای کشتی‌های کوچک است. هر چند اینجا پناهگاه خوبی در برابر باد شمال محسوب می‌شود، اما خیلی نمی‌توان از آن استفاده کرد. چاه آب آن خوب است به طوری که بهتر از هر آبی است که در شهر بوشهر به دست می‌آید. عمق این چاه فقط سه پا است و هشتاد یارد از ساحل فاصله دارد. گمرک شاهنشاهی ایران در آنجا یک قرارگاه با نگهبان مستقر کرده است. در پشت این مکان نخلستانی واقع شده که تا مشیله در ساحل شبه جزیره بوشهر امتداد می‌یابد.

#### حسینکو Husainku

در ساحل دریا و در سمت جنوب غربی جنرال کنسولگری روس قرار دارد و دارای دوازده خانه است. در حسینکو پنج کشتی ماهیگیری وجود دارد.

#### امامزاده Imāmzādeh

در پنج و نیم مایلی جنوب شرقی شهر بوشهر و نیم مایلی شمال سبزآباد قرار دارد. امامزاده در بلندترین قسمت شبه جزیره با ارتفاع یکصد و پنجاه پا واقع شده است. در آنجا

---

کرده‌ام. اما در این تیتیر نقل مستقیم از متن انگلیسی آمده است، هر چند در متن نیز هلیله را به کار برده‌ام. در متن انگلیسی کتاب چنین نوشته شده است که می‌تواند صورت عربی نویسی این نام باشد. فارسنامه ناصری آن را به صورت «هلیله» نوشته است اما گویا تلفظ آن را به صورت داروی گیاهی معروف می‌داند «این جزیره به شکل هلیله است» (میرزا حسن حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۳۳). فرهنگ معین تلفظ نام این دارو را به صورت halila(e) می‌نویسد. اما صورت رایج نزد مردم محل He-ley-leh است.

زیارتگاه شاهزاده عبدالمهیمین با بیست و پنج خانه از سادات وجود دارد. باور بر این است که بیماران با یک شب خوابیدن در محوطه امامزاده شفا خواهند یافت. این مکان به طور مکرر توسط زائرینی از شهر بوشهر و تنگستان زیارت می‌شود. تاریخ این امامزاده روشن نیست<sup>۱</sup>. وارث کنونی و متولی امور امامزاده شخصی به نام سیدعلی است.

### جبری<sup>۲</sup> Jabri

در ساحل غربی خور سلطانی و کمتر از نیم مایل بالای چهار برج Chahārburj واقع شده و دویست خانه دارد که سی واحد آن دو طبقه است و یکصد کلبه نیز دارد. جبری را باید دهکده یا قسمتی از حومه شهر بوشهر که مجزای از آن و در گوشه جنوب شرقی آن واقع شده است، به شمار آورد. در اینجا لنج می‌سازند. جبری دارای پانزده مغازه و (با کشتی‌های روستاهای ستم‌آباد و ظلم‌آباد) یکصد و پنجاه فروند کشتی ماهیگیری است. اهالی جبری بیست رأس الاغ و ده رأس گاو دارند. اکنون محدوده جبری بزرگتر شده و به شهر متصل شده است. سکنة جدید آن بیشتر مهاجرینی از تنگستان هستند.

### جفره<sup>۳</sup> Juffareh / Hafrah

در حدود سه مایلی جنوب شهر بوشهر، در نزدیکی دریا قرار دارد. در آنجا دوازده کلبه، یک خانه بیلاقی بزرگ و خوب و یک خانه سنگی - گلی موجود است. کنسولگری فرانسه در اینجا خانه‌ای در سمت شمال شرقی دارد.

### خشم خواجه Khashm Khājah

در یک چهارم مایلی شمال قلعه ریشهر و به همین فاصله از دریا قرار گرفته است. یک خانه بزرگ و پانزده کلبه در آنجا وجود دارد. این دهکده دارای زمین کشاورزی است که

۱. سدیدالسلطنه این امامزاده را از اولاد حضرت عباس می‌داند (مغاص اللثالی، ص ۵۳).

۲. نام‌های جبری، ستم‌آباد و ظلم‌آباد همه نشانگر استبداد هستند. مراجعه کنید به بعضی از رویدادهای جنگ ایران و انگلیس. اما نمی‌توان به طور جامع واقعیت آن را ثابت کرد (توضیح مصحح انگلیسی). این توضیح مصحح انگلیسی را می‌توان با نظر سدیدالسلطنه همراه دید که علت چنین نام‌گذاری را اسکان اجباری آن‌ها می‌داند (مغاص اللثالی، ص ۵۱). اما این مترجم حدس می‌زند که نام «جبری» ممکن است در اصل «جبری» Gabri بوده باشد (م).

۳. صورت نوشتاری فارسی و انگلیسی این نام در متن هماهنگی ندارد. صورت صحیح تلفظ آن Hofreh است. جُفَره دوتاست: جفَره علیباش و جفَره ماهینی Māhini.

در زمین کم عمقی میان دهکده و دریا واقع شده است و به وسیله آب چاه آبیاری می شود. اهالی ده رأس الاغ، هفت رأس گاو و پنجاه گوسفند و بز دارند.

#### خشم بالا<sup>۱</sup> Khashmbāla

به فاصله کمی در سمت شمال خشم خواجه واقع شده و دارای بیست خانه است. اهالی چند رأس الاغ و گاو و پنجاه گوسفند و بز دارند.

#### خشم نو Khashm Nau

در نزدیکی و شمال خشم بالا واقع شده و دارای پانزده کلبه است. اهالی پانزده رأس الاغ و چند رأس گاو دارند.

#### لیل Lil

در سه چهارم مایلی باغ مقام Bāgh Maqām واقع شده و سی و پنج خانه دارد. این روستا شامل دو قسمت به نام های لیل عجمه Ajamah و لیل بحرینی Bahraini است. لیل بحرینی بزرگتر است و ساکنان آن از اعقاب مهاجرین بحرینی هستند. اهالی سی رأس الاغ، سی رأس گاو و پنجاه گوسفند و بز دارند.

#### محمودآباد Mahmudābad

در مجاورت قبرستانی که در سمت جنوب کنسولگری عثمانی واقع شده است، قرار دارد. اینجا دارای پنج خانه سنگی و پانزده کلبه است. محمودآباد عملاً قسمتی از شهر بوشهر به شمار می آید.

#### باغ مقام Bāgh Muqām

نزدیک ساحل شرقی شبه جزیره، کمی در شمال نقطه ای که خط تلگراف شیراز وارد مشیله می شود و در سه مایلی شمال شرقی قلعه ریشهر واقع شده و دارای شش خانه است. روحانی بزرگ فعلی بوشهر، شیخ محمد امام جمعه تابستان در اینجا اقامت می کند. در اینجا مانعی موجب گسیختگی مسیر حرکت به سمت شمال می شود که به آن باغ جمس Jims می گویند. زیرا آقای جیمز James، معاون ارشد نمایندگی بریتانیا در اینجا خانه ای ساخت و پس از بازنشستگی در آن اقامت کرد. چون در اینجا یک زیارتگاه وجود دارد به آن باغ

---

۱. این نام را باید به صورت خِشِم بالا Khe-she-me-bālā خواند. در مورد خشم خواجه و خشم نو و خشم دلاک ها نیز چنین است.



مقام نام داده‌اند. مردم آن باغدار و دارای حدود ده هزار اصله نخل (به‌اضافه نخیلات جوان) هستند<sup>۱</sup>.

### مفقهه Mufqaeh

در ساحل غربی شبه‌جزیره و بیست مایلی جنوب جنوب غربی شهر بوشهر قرار دارد. چهل خانه دارد و مردم آن ماهیگیر و دارای حدود دوازده شناور یا لنج شخصی هستند. در شمال مفقهه پایه‌های یک چراغ دریایی ناتمام که چهل پا ارتفاع دارد، دیده می‌شود. روستا دارای حدود پانصد اصله درخت خرما است.

### پودر Pūdar

در یک و نیم مایلی جنوب شرقی گوشه جنوب شرقی شهر بوشهر و در ساحل جنوبی خور سلطانی و در نزدیکی رأس آن قرار دارد. دارای چهل خانه است و هشتاد کلبه متعلق به ساکنان شهر بوشهر نیز در تابستان به آن اضافه می‌شود. پودر مقداری زمین در حال ترقی و درختان بلند و حدود یکصد هکتار زمین کشاورزی در سمت جنوب دارد. روستا دارای تعدادی خانه بناساز است. اهالی تعدادی اسب و گاو و دوازده رأس الاغ دارند.

### رونی Ravuni

مابین سبزآباد و ریشهر واقع شده و دارای بیست و پنج کلبه است. اهالی تعدادی گاو و الاغ و حدود پنجاه گوسفند دارند.

### ریشهر<sup>۲</sup> Rishehr

---

۱. منظور از نخل جوان نخل‌هایی هستند که به‌تازگی کاشته شده و هنوز مثمر نشده‌اند. سدیدالسلطنه می‌نویسد که در اینجا امام جمعه بوشهر باغی داشته است. نیز از آقا غلامعلی زغالی نیز که در اینجا هزار اصله انگور و هزار اصله انجیر داشته است نام می‌برد. اینجا هرچند در شرق شبه‌جزیره بوشهر و در محل اتصال آن به دشتستان واقع شده است، اما منظور برج مقام نیست که مدخل شبه‌جزیره بوشهر از سمت شرقی آن، یعنی مشیله است (ر.ک: مغاص اللئالی، ص ۵۶). در بوشهر باغ‌های متعددی وجود داشته که از دلایل وجود آنها اسامی مکان‌هایی است که با باغ شروع می‌شوند. سدیدالسلطنه فهرستی از این باغ‌ها را ارائه می‌کند و حتی می‌نویسد باغ زهرا را انگلیسی‌ها با پرداخت پول خراب کردند (مغاص اللئالی، ص ۵۴-۵۶).

۲. تا پیش از آنکه شهر بوشهر به مقام مرکزیت شبه‌جزیره بوشهر برسد، ریشهر واجد اهمیت بود. در اینجا تا زمان صفویه یک حکمران مستقر بود. در زمان شاه طهماسب صفوی با سرکوب حسن سلطان ریشهری، اینجا از رونق افتاد و کم‌کم بوشهر رشد کرد و مرکزیت یافت. حتی در زمان تدوین این کتاب توسط لوریمر هم کدخدای ریشهر اداره امور مالیاتی و انتظامی تمامی شبه‌جزیره به‌جز شهر (بندر) بوشهر را داشت (ر.ک: مغاص اللئالی، ص ۵۲ و ۵۵).

در زبان انگلیسی معمولاً به صورت Reshire تلفظ می‌شود. نزدیک ساحل غربی شبه‌جزیره، شش مایلی جنوب شهر بوشهر و سه چهارم مایلی جنوب ساختمان تلگراف‌خانه ریشهر واقع شده است. در اینجا پانزده خانوادهٔ بحرینی، محله‌ای موسوم به بحرینی‌ها را تشکیل داده‌اند. همچنین ده خانوار از سادات و دیگران در آنجا زندگی می‌کنند.

شیخ حسین که یک نفر بحرینی است و زمانی روحانی بزرگ بوشهر بود، در چهل یا پنجاه سال قبل از اینجا برای اقامت تابستانی استفاده کرد و دو جانشین بلافصل او شیخ خلف و شیخ عبدالعلی نیز چنین کردند. در یک چهارم مایلی از ساحل ریشهر و در غرب روستا، محل خرابه‌های قلعهٔ قدیمی ریشهر قرار دارد که اهالی بدان «قلعهٔ بهمن‌شاه» می‌گویند. این قلعه به شکل مربع و هر ضلع آن سیصد یارد است. هنوز برج و باروی آن هفتاد پا از سطح دریا ارتفاع دارد. اقامتگاه آن متعلق به حکومت است و به وسیلهٔ خندقی به پهنای هفتاد تا یکصد پا که با نیروی کار اجباری، به دستور حکمران بنادر خلیج فارس ساخته شده است، حفاظت می‌شود. قلعه در جریان حملهٔ نیروهای هندی بریتانیا<sup>۱</sup> در جنگ ایران و انگلیس تصرف شد.<sup>۲</sup>

### سبزآباد Sabzābād

در شش مایلی جنوب شهر بوشهر، یک مایلی شرق قلعه ریشهر و یک چهارم مایلی جنوب امامزاده واقع شده است. خانهٔ بیلاقی نمایندهٔ سیاسی بریتانیا در خلیج فارس در اینجا قرار دارد. این خانه در محلی مرتفع جای دارد و به وسیلهٔ یک باغ خوب احاطه شده است.

### سنگی Sangi

در میانهٔ شبه‌جزیره و یک و یک چهارم مایلی جنوب شهر بوشهر قرار دارد و دارای هشتصد خانه است که بیشتر آنها از سنگ ساخته شده‌اند. بیشتر ساکنان آن در بوشهر کار می‌کنند. آنها دارای چهارصد رأس الاغ هستند که با آن آب برای فروش حمل می‌کنند.

#### 1. British Indian Force.

۲. منظور جنگ سال ۱۸۵۶ م / ۱۲۷۳ ه‍.ق است. در پی کشمکش میان ایران و بریتانیا در مسئلهٔ هرات، نیروهای انگلیسی به شبه‌جزیرهٔ بوشهر حمله کردند و آن را برای مدتی اشغال نمودند. در مقدمهٔ این حمله نیروهای بریتانیایی در هلیله پیاده شدند و به طرف قلعهٔ ریشهر که نیروهای تنگستانی و احمدخان در آنجا موضع گرفته بودند، پیشروی نمودند. در همان حال توپخانهٔ مستقر بر کشتی‌های جنگی بریتانیا قلعه را از سمت غرب زیر باران گلوله گرفت. اما پس از جنگ تن‌به‌تن که تلفات سنگینی برای طرفین داشت، قلعه به دست نیروهای بریتانیایی افتاد.

اغلب سنگ و گل نیز حمل می‌نمایند. شاید به همین علت بدان نام «سنگی» داده‌اند.<sup>۱</sup> در مواقعی که قاطر کمیاب است آنها بار به شیراز حمل می‌کنند. اهالی سنگی پنجاه رأس گاو نیز دارند.

#### سرطل Sar-i-tul

در یک چهارم مایلی جنوب غربی سبزآباد واقع شده و دارای ده باب خانه است. مردم سرطل پرورش دهنده انگور و استخراج کننده سنگ هستند. گفته می‌شود که پیش از این ساکن قلعه ریشهر بوده‌اند. آنها دارای صد گوسفند و بز و تعدادی از حیوانات دیگر هستند.

#### شغاب Shaghāb

در ساحل غربی شبه جزیره و سه چهارم مایلی شمال غربی قلعه ریشهر قرار دارد. شغاب آبادی کوچکی با حدود شش خانه، دو نخلستان کوچک و ده رأس الاغ و تعدادی حیوانات دیگر است.<sup>۲</sup>

#### باغ شکری Bāgh Shakari

در میانه شبه جزیره و (به فاصله) کمی در شرق سنگی واقع شده و دارای بیست خانه سنگی و گلی است که در تابستان سی کلبه بدان افزوده می‌شود. این روستا شامل دو یا سه محله کوچک است. سنگ از اینجا استخراج می‌گردد. دارای تعدادی اسب و گاو است و در سه یا چهار مزرعه آن در حدود چهارهزار اصله نخل وجود دارد.<sup>۳</sup>

#### شمبرو Shambu

نزدیک سنگی در غرب جاده‌ای که از آنجا عبور می‌کند واقع شده و دارای بیست خانه سنگی است. خانه‌های آن متعلق به سکنه بوشهر است که فقط در تابستان از آن استفاده می‌کنند.

#### ستم آباد Sītamābād

در ساحل غربی خور سلطانی و در یک و یک چهارم مایلی بالای چهار برج<sup>۴</sup> واقع شده و دارای سیصد خانه است. این محل توسعه یافته و به زودی به ظلم آباد متصل خواهد شد.

---

۱. سنگی از مراکز استخراج سنگ بوده است.

۲. شغاب برای تاریخ باستانی شبه جزیره بوشهر واجد اهمیت فراوان است. در اینجا آثاری از دوره ایلامی وجود دارد که بر اساس آنها نام این شبه جزیره «لیان» Liyan دانسته شده است و قدمت آن به قرون قبل از میلاد می‌رسد.

۳. شکری در سال‌های جنگ جهانی اول ایستگاه خط آهنی شد که تا برازجان امتداد داشت و در آنجا به ایستگاهی موسوم به باغ استیشن Station می‌رسید.

۴. «چهار برج» ساختمانی بزرگ در بوشهر و مقر حکمرانی بنادر بوده است.

اینجا بیست رأس الاغ و ده رأس گاو و (با جبری و ظلم آباد) یکصد و پنجاه فروند کشتی ماهیگیری دارد.

### تنگک Tangak

در ساحل شرقی شبه جزیره و یک و نیم مایلی شرق امامزاده واقع شده است و روی هم رفته یکصد خانه دارد. تنگک شش روستای نزدیک به هم است<sup>۱</sup>. شمالی ترین آنها سه چهارم مایلی جنوب نقطه ای که سیم تلگراف وارد مشیله می شود و جنوبی ترین آنها یک و نیم مایلی آن واقع شده است. ساکنان آنجا دارای یکصد و بیست رأس الاغ، نود رأس گاو و سیصد گوسفند و بز هستند. در تنگک یک هزار و پانصد اصله درخت خرما وجود دارد.

### خشم زائر غلام حسین Zair Ghulāmusain Khashm

در شرق خشم دلاکها واقع شده است و شش باب خانه دارد. اهالی دارای تعدادی الاغ و گاو هستند. بلافاصله در جنوب شرقی آن انبوهی از درختان خرما واقع شده که زمین مجاور آن را نمایندگی بریتانیا خریداری کرده است.

### ظلم آباد Zulmābād

در ساحل غربی خور سلطانی و در کنار ستم آباد واقع شده به نحوی که جاده ای مابین آنها حائل است. دارای یکصد و پنجاه خانه است و ساکنان آن دریاورد و ماهیگیرند. آنها دارای بیست و نه کشتی بزرگ و (همراه با چیزی و ظلم آباد) یکصد و پنجاه لنج کوچک هستند. اهالی بیست رأس الاغ و ده رأس گاو دارند. این محل توسط مهاجران تنگستانی توسعه یافته است.

جنرال کنسولگری روسیه و کنسولگری آلمان در بوشهر در ساحل غربی شبه جزیره واقع شده اند. اولی در سه چهارم مایلی و دومی (در سمت جنوب روستای مفقعه) در دو و یک چهارم مایلی گوشه جنوب شرقی شهر بوشهر قرار دارند.

۱. روستاهایی که نام «تنگک» دارند عبارتند از: ۱) تنگک شمالی یا تنگک صفر که بدان تنگک محمد جعفر هم می گویند. عامه نام اخیر را به صورت manJafar ادا می کنند؛ ۲) تنگک وسطی یا رؤسا که عامه آن را Reisā ادا می کنند؛ ۳) تنگک جنوبی یا هیرونی Hirooni که بدان تنگک زنگنه نیز می گویند. آقای احمدی ریشهری تنگک شمالی یا صفری یا محمد جعفر را یک آبادی می داند. سدیدالسلطنه متذکر می شود تنگک صفر را اکنون (۱۳۳۳هـ ق) تنگک صفر می خوانند (مغاص اللئالی، ص ۵۱).